

دی ماه

۱۳۹۳

بحران آب و عوامل و پیامدهای سیاسی آن



انديشكده تدبير آب ايران، انجمن جامعه‌شناسی ایران، انجمن مطالعات فرهنگی و ارتباطات و مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری



فهرست مطالب

۱. سخن آغازین ۳
۲. آقای سید محمد امین قانع‌راد، مدیر نشست ۴
۳. آقای علی کریمی مله ۶
۴. آقای سید محمد امین قانع‌راد ۱۲
۵. آقای فرشاد مومنی ۱۵
۶. آقای انوش نوری اسفندیاری ۲۳
۷. پرسش و پاسخ ۳۷
۸. جمع‌بندی - مدیر نشست، آقای قانع‌راد ۶۰

۱. سخن آغازین

نابه‌سامانی‌های ناشی از برنامه‌ها و اقدامات توسعه و نوسازی، و خصایص شیوه زیست ایرانیان، تأثیرات خود را بر حیات جمعی ایرانیان بر جای گذارده‌اند و از جمله عوارض ناشی از آن‌ها، تخریب محیط‌زیست و پیدایش بحران‌هایی است که بحران آب از جمله آن‌هاست. توسعه پایدار در جریان توسعه مغفول مانده و امروز مشکلات عدیده‌ای بروز کرده‌اند. مشکلاتی که هزینه‌هایشان در درازمدت بسیار بیشتر از منافع کوتاه‌مدت برنامه‌هایی است که باعث بروز این مشکلات شده‌اند. آلودگی آب‌ها و سواحل، نابودی دریاچه ارومیه و زاینده‌رود و کاهش چشم‌گیر آب در کارون و ارس، از بین رفتن بسیاری از تالاب‌ها و آبراهه‌ها حاصل این نوع ناهماهنگی و عدم تعادل در روابط و مناسبات انسان و محیط بوده است.

علی‌رغم بروز آثار و عوارض ناشی از بحران آب در حوزه محیط زیست و حتی فضای اجتماعی (مثلاً بوجود آمدن اختلافات و مناقشات محلی و منطقه‌ای در برخی از استانهای کشور)، هنوز توجه، حساسیت و دغدغه‌مندی لازم در میان عموم مردم و حتی کارشناسان و سیاست‌گذاران آنگونه که باید پدید نیامده است. بی‌توجهی به بحران آب و چشم بستن بر اهمیت و جایگاه حیاتی آن در کشور، می‌تواند در آینده آثار مخرب و جبران‌ناپذیرتری بر جای گذارد. لذا نیاز است که بحران آب و عوامل و پیامدهای آن موضوع گفت‌وگوی علمی و تخصصی قرار گرفته و متخصصین و صاحب‌نظران عرصه‌های گوناگون مهندسی، جامعه، اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ارتباطات در این باره به گفت‌وگو بنشینند.

اندیشکده تدبیر آب ایران، انجمن جامعه‌شناسی ایران، و انجمن مطالعات فرهنگی و ارتباطات، به عنوان نهادهای مدنی، و مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، با توجه به اهمیت راهبردی بحران آب، قصد دارند سلسله نشست‌هایی را با شعار «باید درباره آب گفت‌وگو کنیم» در شش ماهه دوم سال ۱۳۹۳ برای بررسی ابعاد مختلف بحران آب در ایران برگزار نمایند تا بدین وسیله ضمن مشخص شدن ابعاد راهبردی بحران آب، گفتمان سازی برای سیاست‌گذاری راهبردی در این حوزه تقویت شود.

سومین نشست تخصصی از مجموعه نشست‌های آب، فرهنگ و جامعه به میزبانی دانشگاه صنعتی شریف و با عنوان «بحران آب؛ عوامل و پیامدهای سیاسی آن» که در روز سه‌شنبه مورخ ۲۳ دی‌ماه ۱۳۹۳ از ساعت ۱۶:۳۰ الی ۱۹:۳۰ در سالن جابر بن حیان، دانشگاه صنعتی شریف برگزار شد.

اعضای پانل این میزگرد عبارت بودند از:

۱. دکتر فرشاد مومنی (استاد دانشگاه علامه طباطبایی و تحلیل‌گر اقتصاد سیاسی)
۲. دکتر علی کریمی مله (استاد علوم سیاسی دانشگاه مازندران)
۳. دکتر سید محمدامین قانعی راد (رئیس انجمن جامعه‌شناسی ایران)
۴. مهندس انوش نوری اسفندیاری (عضو شورای راهبردی اندیشکده تدبیر آب ایران)

این میزگرد با هدف پاسخ‌گویی به سه پرسش زیر برگزار شد:

۱. نقش و جایگاه آب در نظام سیاسی کشور چیست؟
۲. مهمترین پیامدهای سیاسی بحران آب کدامند؟
۳. برای کنترل آثار بحران آب در حوزه سیاسی چه راه‌حلهایی می‌توان در نظر گرفت؟

۲. آقای سید محمد امین قانعی راد، مدیر نشست

سلسله نشست‌های آب، فرهنگ و جامعه به ابتکار اندیشکده تدبیر آب ایران وابسته به اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان با کمک دو انجمن علمی، انجمن جامعه‌شناسی ایران که من از این انجمن در خدمت شما هستم، و همچنین مطالعات فرهنگی و ارتباطات به‌عنوان دو نهاد مدنی و مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری به عنوان بخش دولتی برگزار می‌شود. هدف ما این است که یک گفت‌وگوی اجتماعی با شعار «باید درباره آب گفت‌وگو کنیم» را در عرصه آب شکل بدهیم که ذی‌نفعان در بخش اصلی دولتی، جامعه مدنی به‌طور خاص و بخش دانش و اندیشه مجموعاً بتوانند شرکت کنند و ابعاد مختلف بحران آب در ایران را مورد بحث و بررسی

قرار دهند. امروز در مورد آب و مسائل سیاسی مرتبط با آن بحث خواهد شد. عزیزی که در این نشست در خدمتشان هستیم به ترتیب، جناب آقای دکتر علی کریمی، متخصص علوم سیاسی و دارای مدرک دکتری علوم سیاسی گرایش مسائل ایران از دانشگاه تربیت مدرس و دانشیار علوم سیاسی دانشگاه مازندران و قائم مقام اسبق مدیرکل ارزشیابی اقتصاد و دارایی بودند. دکتر فرشاد مومنی، استاد دانشگاه علامه طباطبایی، عضو و موسس، موسسه دین و اقتصاد هستند. دکترای اقتصاد با گرایش اقتصاد- توسعه و اقتصاد ایران که از نظر گرایش پارادایمی هم به اقتصاد نهادگرا تعلق دارند. مهندس انوش نوری اسفندیاری، فارغ التحصیل رشته اقتصاد- کشاورزی، دارای سوابق مدیریتی در بخش آب کشور، عضو شورای راهبردی اندیشکده تدبیر آب ایران، بنده هم قانعی راد رئیس انجمن جامعه‌شناسی ایران، عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور و دارای رتبه علمی دانشیار هستم.

برای این بحث سه سوال پیش‌بینی شده است که از اساتید محترم خواهش می‌کنیم که متناسب با دیدگاه و علائق خودشان احتمالاً در چارچوب این سه سوال و شاید هم با تاکیدات متفاوتی که به نظرشان می‌رسد به سوالات این پنل پاسخ بگویند.

۱. نقش و جایگاه آب در نظام سیاسی کشور چه هست؟

البته دکتر کریمی حوزه علوم سیاسی در حوزه روابط بین‌الملل، تخصص دارند ولی اینجا یک مقداری آب در نظام سیاسی کشور در چارچوب ملی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد که این چه جایگاهی دارد؟

۲. مهمترین پیامدهای سیاسی بحران کدامند؟

اگر ما بتوانیم وضعیت کنونی و وضعیت موجود را به عنوان بحران آب نامگذاری کنیم این سوال وجود دارد که چه پیامدهای سیاسی برای این قضیه می‌توان پیش‌بینی کرد؟ در کوتاه‌مدت و بلندمدت چه مسائل سیاسی احتمالاً با بحران آب خواهیم داشت. مسائلی که در حال حاضر قادر به پیش‌بینی آن می‌باشیم و یا اینکه در یک آینده نسبتاً طولانی‌تری که

احتمالاً در دهه‌های آینده خواهد بود، ممکن است که چه مشکلاتی برای کشور ایجاد شود و چه پیامدهای سیاسی وجود خواهد داشت؟

۳. برای کنترل آثار بحران آب در حوزه سیاسی چه راه‌هایی را می‌توان در نظر گرفت؟ بر اساس برنامه پیش‌بینی شده، بعد از صحبت مختصری که بنده برای معرفی اساتید خواهم داشت و طرح سوالات، یک ساعت گفت‌وگو هست که بین اعضای این پنل صورت خواهد گرفت. پانزده دقیقه اساتید فرصت خواهند داشت که دیدگاه خودشان را مطرح کنند. بخش مهم این نشست، گفتگو با حضار و شرکت کنندگان و در حدود یک ساعت خواهد بود. اگر صحبت بیشتری بود، می‌شود زمان را کمی افزایش داد و در آخر هم جمع‌بندی جلسه را خواهیم داشت. اگر اجازه بدهید با توجه به تاخیر در آغاز جلسه، از جناب آقای دکتر علی کریمی برای پاسخگویی به سوالات دعوت کنیم:

۳. آقای علی کریمی مله

خیلی خوشحالم از سرزمینی که به سرزمین آب معروف است، مازندران سرسبز و برخوردار از آب که البته خود این استان هم رگه‌ها و نشانه‌هایی از بحران را تجربه می‌کند، خدمت شما می‌رسم و فضا و کنشی را تجربه می‌کنیم که نسبتاً در جامعه کمیاب است، کنش گفت‌وگویی. البته پیرامون مسأله بسیار حیاتی به اسم آب. در پاسخ به پرسش اول که آب دارای چه جایگاهی در نظام سیاسی کشور است، طبیعتاً همانطور که اقتضای خود پرسش هست، نگاه ما علی‌القاعده باید رئالیستی باشد. یعنی آن چیزی که الان وجود دارد. من معتقد هستم که آب با توجه به ارقام و اعدادی که عزیزان بهتر از می‌دانند به تدریج از یک ماده کاملاً طبیعی به یک عنصر به شدت سیاسی تبدیل شده است و همچنان شدت این سیاسی بودن و سیاسی شدن آن در حال افزایش است. بخاطر اینکه به یک ماده نادر و کمیاب تبدیل شده است و در علم سیاست اساساً، ندرت و کمیابی منشأ رقابت، ستیزه، تنش و نارضایتی است. این ندرت و کمیابی باعث شده است که ما شاهد یک سلسله رقابت‌ها و مبارزات برای دسترسی به آن و طبیعتاً تغییر صورت‌بندی شیوه موجود مالکیت این منبع نادر باشیم.

نکته دوم این است که آب همانطور که از سه یا چهار سال گذشته شواهد نشان می‌دهد به عنصر محرک کنش‌ها و پویش‌های سیاسی تبدیل شده است. به گونه‌ای که می‌توان گفت تنش آبی مساوی شده است با تنش سیاسی. از سوی دیگر وقتی ما وضعیت آب را رویت می‌کنیم، منابع آبی کشور را با شرایط بحرانی توصیف می‌کنیم. بحران در علم سیاست بدین معناست. کسانی که از این ماده حیاتی ذی‌نفع هستند، فوریت دارد که دست به اتخاذ تدابیر و سیاست‌هایی برای مهار پیامدها و آثار سوء و ناگوار ناشی از کمبود این منابع کمیاب بزنند. اگرچه ما وقتی که از بحران صحبت می‌کنیم این به ذهن متبادر می‌شود که ما با یک وجوهی از تهدیدات مواجه هستیم. بحران‌شناسان معتقد هستند هر وضعیت بحرانی محدود به فرصت و تهدید به صورت همزمان هست. اما وجه تهدید آن به مراتب از وجه فرصت کمتر است. وضعیت کنونی آب در جامعه ما نماگری است تا به جامعه معرفی کنیم و در زندگی مان لمس کنیم که جامعه با بحران ناکارآمدی یا بحران بدکارکردی در سطوح کلان مدیریت کشور مواجه هست.

نکته بعدی، موقعیت فضایی بحران آب در کشور ما نشان می‌دهد که یک عنصری به عناصر شکاف‌های مترکم اجتماعی جامعه ما اضافه شده است. جامعه ما جامعه بسیار پرشکافی است. شکاف‌های فرهنگی، ایدئولوژیکی، سیاسی، اجتماعی، قومی، ملی، زبانی، مذهبی و البته با کمال تاسف باید گفت بدلیل بحران ناکارآمدی یا بدکارکردی، شکاف بحران آب، بویژه در مناطقی مانند سیستان و بلوچستان، آذربایجان که دچار شکاف حاکمیتی هستند، افزوده شده و این البته بر روی کنش‌ها و واکنش‌های سیاسی در آینده تاثیر می‌گذارد.

نکته بعدی، از دهه حدود هشتاد یک بحثی در ادبیات امنیت و امنیت ملی و امنیت پژوهی مطرح شده است که در آن تلقی‌های سنتی نسبت به امنیت وجود داشته است. ما امنیت را مساوی با امنیت حاکمیت، امنیت رژیم، امنیت دولت تلقی می‌کردیم. این معنای خودش را از دست داده است و منسوخ شده و امروزه یک معنای موسع از معنای امنیت است که امنیت انسانی و امنیت جامعه در مرکز ثقل آن قرار دارد و امنیت منابع و محیطی بیش از

آنکه امنیت رژیم و حاکمیت و دولت را در معرض خطر قرار بدهد امنیت جامعه، امنیت انسانی را به خطر انداخته است. بنابراین امروزه وضعیت آب در ایران نمایانگر آن است که ما با تهدیدات محیطی و منابع که عمدتاً انسان‌محور، جامعه‌محور هستند، مواجه هستیم. نکته دیگر، ما بدلیل همسایگی که با برخی از کشورها داریم، آب در زمره مدل‌های هیدروپولیتیک قرار گرفته که می‌تواند روابط و مناسبات ما با برخی از کشورهای همسایه‌مان را تحت تاثیر قرار بدهد و احتمالاً منشا شکل‌گیری دیپلماسی متفاوتی از گذشته بشود. مثلاً خشک شدن رودخانه هیرمند و احداث سد که آنجا صورت گرفته است. هامون و تالاب هیرمند وقتی که خشک می‌شود علی‌القاعده این دیپلماسی که ما تا الان داشته‌ایم، پاسخگو نخواهد بود، ناگزیر دولت باید تدابیر جدیدی در حوزه آبی اتخاذ بکند یا در آذربایجان، ترکمنستان، اینها می‌تواند در شکل‌دهی به منظومه جدیدی از معادلات منطقه‌ای نقش داشته باشد. بنابراین به نظر می‌رسد آبی که در گذشته برای ایران باعث شکل‌دهی یک تمدن جدید بوده که ما توانستیم بوسیله آن بالندگی خودمان را شکل بدهیم و اثبات کنیم، متأسفانه امروزه به یک عنصری تبدیل شده که در داخل منشا تنش و در روابط منطقه‌ای می‌تواند عاملی برای بروز تنش‌ها و یا مشکلات دیپلماتیک در سطح منطقه‌ای بشود.

اما برای پاسخ سوال دوم که بگوییم پیامدهای سیاسی این بحران چی می‌تواند باشد؟ علی‌القاعده تقدم و تاخر معنوی حداقل در این مواردی که من ذکر کردم وجود ندارد. بلکه بعضی از آنها به لحاظ منطقی ممکن مترتب باشد. یا به لحاظ زمانی مترتب باشند. اما این‌ها مواردی هستند که به نظر می‌رسد متصور هست از این که بحران آب این پیامدها را داشته باشد. طبیعتاً با توجه به نقشی که آب در فرایند توسعه عمومی و توسعه پایدار دارد، به نظر من این بحران آب یا بحران کم‌آبی می‌تواند فرایند توسعه پایدار و همه‌جانبه کشور را متوقف یا دچار تاخیر کند.

نکته بعدی این است که بحران آب می‌تواند صورت‌بندی نیروهای اجتماعی جامعه ما را تغییر بدهد. به عنوان مثال با افزایش یا تشدید موج مهاجرت‌های گسترده از مناطق روستایی

به شهری، نیروهای اجتماعی و صورت‌بندی‌شان به شدت مختل بشود، تغییر پیدا کند و تغییر صورت‌بندی‌های اجتماعی دارای پیامدهای انکارناپذیر است در عرصه کنش‌ها و پویای‌های سیاسی. بنابراین ممکن است از طرف دیگر به تشدید نرخ بیکاری، نرخ فقر، تغییر الگوهای شغلی بیانجامد که اینها بصورت متغیرهای واسط می‌توانند دارای پیامدهایی باشند.

یک بحثی که در سال‌های اخیر مطرح شده و، هرچه که تجربه انتخابات در کشور ما تکرار می‌شود، نشان می‌دهد موضوعات جدیدی در دستور کار رقابت‌های انتخاباتی قرار می‌گیرند. خوب طبیعتاً از انتخابات ریاست جمهوری از ادوار گذشته تاکنون مثلاً مسئله قومیت‌ها در دوره‌های گذشته انتخاباتی در مرکز ثقل رقابت‌های انتخاباتی نبوده است ولی هرچه که جلوتر آمده‌ایم، موضوع قومیت‌ها یک موضوع رقابت‌های سیاسی شده است. به نظر می‌رسد بحران کم‌آبی، می‌تواند موضوع آب را در دستور کار کمپین‌های انتخاباتی و رقابت‌های انتخاباتی قرار بدهد. عنصری به عنصر شکاف‌های اجتماعی اضافه شده، ما در عرصه رقابت انتخاباتی یا رای‌گیری‌های موضوع محور آب مثابه یک عنصر جدیدی در دستور کار رقابت انتخاباتی قرار خواهد گرفت. وقتی این اتفاق بیافتد پیامد آن این خواهد بود که تقویت حس محلی‌گرایی، ناحیه‌گرایی، منطقه‌گرایی که زمینه‌های آن در جامعه ما وجود دارد و در نهایت ممکن است در صورتی که تدبیر مناسبی اندیشیده نشود، موجب تشدید حس واگرایی سیاسی در کشور ما هم بشود و متعاقباً بسامد موج خشونت، تنش‌های سیاسی، تنش‌های قومی و مذهبی با محوریت آب ممکن است شکل بگیرد.

البته آمارها این را نشان می‌دهد ظرف چهارماه گذشته در مناطقی مثل خراسان، لرستان، خوزستان، آذربایجان غربی این اتفاقات افتاده است و این زمانی است که ما با آن علائم اولیه بحران آب مواجه شدیم. هرچه این بحران شدیدتر بشود طبیعتاً فرکانس توسل به این تنش‌ها افزایش پیدا خواهد کرد. البته چون آقای دکتر فرمودند شاید در آینده‌های دور در صورتی که این بحران‌های ناکارآمدی تدبیر نشود و راه‌حل‌های روزآمد و رضایت‌مندان‌ه‌ای برای آن طراحی نشود، این بحران ناکارآمدی ممکن است به بحران مشروعیت هم

بیانجامد. بنابراین نظام سیاسی در آن اقصی نقاط افق‌های دور باید ببیند که احتمالاً بحران بدکار کردی یا ناکارآمدی در نهایت ممکن است به بحران مشروعیت هم منجر بشود. به اعتبار اینکه حدیثی هم داریم تحت عنوان کاد الفقر و ان یكون کفرا. به هر حال لحظاتی ممکن است فقر منابع آبی را بتوانند تحمل کنند، توجیه کنند، در نهایت ممکن است به کفر نسبت به پذیرش مبانی مشروعیت نظام که عبارت از بحران مشروعیت است منجر شود. ناگوارتر این است که بحران آب ممکن است به امنیتی شدن کشیده بشود. بحران آب که یک ماده طبیعی است ممکن است سیاسی بشود و در صورت نبودن تدبیر به مفهوم امنیتی تبدیل بشود. چون ما در ادوار گوناگون در فازهای گوناگون این امنیتی شدن جامعه را تجربه کردیم. با آن عواقب ناگوار آن کاملاً آشنا هستیم و در زندگی روزمره کاملاً ملموس هست. وقتی جامعه امنیتی می‌شود طبیعی است فضای گفت‌وگو تعلیق می‌شود شاید نشود اندک فضای فعلی گفتگو را تداوم بخشید و عرصه برای نقش آفرینی جامعه مدنی کاملاً تضییق و تنگ می‌شود. این پیامدهای بسیار ناگواری هست که امنیتی شدن آب را ممکن است بدنبال داشته باشد. بنابراین این شرایطی است که ما فکر می‌کنیم که بحران آب یک چنین پیامدهایی را بدنبال داشته باشد.

اما در رابطه با سوال سوم ما برای کنترل آثار بحران آب چه راه‌هایی می‌توانیم تصور کنیم؟ من معتقد هستم به هر حال جامعه ما نسبت به مقوله آب، هم در سطح نخبگان، هم در جامعه مدنی و فعالان این حوزه و هم در بخش خصوصی از دانش کافی برخوردار باشد. اما حساسیت لازم نسبت به مقوله کم آبی را نداریم. بنابراین باید یک تلاش همه جانبه‌ای صورت بگیرد تا ما حساسیت نسبت به مقوله کم آبی در جامعه را فراگیر کنیم. ما باید آب را به مثابه یکی از عناصر اصلی حقوق بشری معرفی کنیم. البته ادبیات مکتوب در دنیای آن سو کاملاً نشان می‌دهد امروزه مسائلی از این دست جز حقوق بشر شناخته می‌شود. حقوق بشر فقط مسائل آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و امثال اینها نیست بلکه دسترسی‌های این‌چنینی، برخورداری از استانداردهای متناسب و متعادل زندگی هم جزو حقوق بشر هست. یکی از راهکارها می‌تواند این باشد که جز یکی از اجزاء حقوق بشر معرفی کنیم.

نکته بعدی این است که بدون اینکه بخواهم نیت بدی را به کسی منتسب کنم در این بحران بدکار کردی یا بحران ناکارآمدی، آن چیزی که الان ما با آن مواجه هستیم، نتیجه فقدان دانش یا نتیجه فقدان مهارت و یا فقدان تصمیمات بهنگام و روزآمد و عالمانه است. نخبگان عالی رتبه در صدر کسانی هستند که این مسئولیت متوجه آنهاست. طبیعتاً خیلی عقلایی و منطقی نیست که ما برای برون رفت این بحران باز متوجه و دست به دامن کسانی بشویم و نهادهایی بشویم که این شرایط را برای ما رقم زده‌اند. بنابراین اگر ما فکر می‌کنیم دولت به عنوان منجی ما را از این بحران خارج کند و خود ما به عنوان شهروندان مسئولیتی را نپذیریم به خطا رفته‌ایم. طبیعی است که همانطور که خود ما در این بحران نقش داشتیم شیوه‌های مصرف، عدم اهتمام ما به الگوهای مصرف در خلق این بحران، برای رفع این بحران نیز باید نقش آفرینی کنیم. بنابراین من، دولت، نهادهای مدنی و حتی نهادهای مذهبی که در جامعه ما سبقه دیرینه دارند را در این خصوص مکلف می‌بینم. چون آب یکی از موادی است که در دین مبین اسلام و تعالیم مذهبی ما به شدت مورد اهتمام واقع شده است.

بنابراین هیچ ایرادی ندارد که نهادهای مذهبی ما بخشی از انرژی خود را صرف گسترش این دلواپسی‌ها و دل‌نگرانی‌ها نسبت به آب کنند. بالاخره دلواپسی‌های ما نایستی به حوزه‌های خاصی ختم شود بالاخره آب که مایه حیات ما هست می‌تواند مشمول دلواپسی‌های نهادهای مدنی، سمن‌ها، حتی نهادهای دینی مذهبی ما بشود. فعال رسانه‌ایی و امثال این. من فکر می‌کنم تعهد را قائل بشویم این نقش آفرینی در باب ایجاد حساسیت نسبت به آب ابتدا باید از خود مردم، از خود ما شروع بشود و البته از دولت هم انتظار می‌رود که فقط تسهیل‌کننده این گسترش و حساسیت باشد.

نکته بعدی، این پیشنهاد من را در ارتباط با پیشنهاد گذشته من تلقی کنند، اگرچه ممکن است در نگاه اول رادیکال به نظر بیاید. یک مقدار تحریک‌پذیر به نظر بیاید اما اگر بخواهیم واقعاً بتوانیم بر این بحران فائق بشویم من فکر می‌کنم چاره‌ی جز این نداریم که ما آب را تبدیل کنیم به یک جنبش جدید اجتماعی با عبارت‌هایی که بالاخره در دنیا هم

مرسوم هست. ما آب می‌خواهیم، ما تشنه هستیم. با آب مهربان باشیم. این‌ها نیروهای تحریک برانگیز، این جنبش‌های اجتماعی آب، پایه‌ی ما باشد. که بتواند یک عظم همگانی را برانگیزد تا بتوانیم از این بحران عبور کنیم. به هر حال می‌تواند از یک جایی نقطه شروعی برای این جنبش جدید اجتماعی "ما آب می‌خواهیم" تصور کرد. این گفت‌وگوها می‌تواند نقطه‌ی عزیمت خوبی برای آغاز یک چنین جنبشی باشد و البته همه ما می‌دانیم که برای اینکه یک چنین جنبش همگانی اتفاق بیافتد، که اتفاقاً این جنبش آب پایه دولتمردان نباید خیلی نسبت به آن هراسان و نگران باشند که حدت و شدت سیاسی پیدا کند. نه این کاملاً می‌تواند وجه اجتماعی غالب داشته باشد و به نفع همگان هم باشد اگر به همه اهداف خودش برسد. بنابراین جنبش علاوه بر اینکه باید ذیل این گفتگوها زمینه‌هایش را تمهید کند نیازمند یک شبکه‌سازی‌ها و ساماندهی‌های انسانی هست. یعنی این سازمان‌های مردم‌نهاد بایستی به اندازه کفایت برای تبدیل آب به یک موضوع همگانی شکل بگیرد و نهادهای موجود هم فعال بشوند تا اینکه انشاءالله ما بتوانیم از این بحران به سلامت عبور کنیم تا آب آنگونه که مایه زندگی ایرانیان و همزیستی بوده است یکبار دیگر بتواند در آن نقش و کسوت تاریخی خودش ظاهر بشود.

۴. آقای سید محمد امین قانع‌راد

از آقای دکتر کریمی مله تشکر می‌کنم که مطالب را به صورت طبقه‌بندی شده در پاسخ به این سه سوال ارائه دادند. نکته‌ای را اشاره کردند در مورد اهمیتی که دین مبین اسلام نسبت به آب می‌دهد و همین‌طور هم است. ولی مقوله آب در همه فرهنگ‌های بشری به یک نحوی جنبه اسطوره‌ای و یک ابعاد اسطوره‌ای دارد و مورد احترام بوده است. آب در اسلام مظهر شفافیت، پاکی، تطهیر، روشنی، زلالی، امید، زندگی، جوانی، حرکت، نیرومندی، شادی، نشاط، بینایی، دانایی، نور است. بعد هم متصل می‌شود به محیط‌زیست در معنای درخت، شکوفایی هستی و بعد خیلی ابعاد گسترده‌ی پیدا می‌کند. بحث بوستان، جنگل ابعاد دیگر این قضیه است خیلی اهمیت اسطوره‌ای زیادی دارد. شما می‌دانید که اسکندر نماد کسی است که در ظلمات بدنبال آب حیات می‌گردد و همیشه آب با حیات

یک پیوندی داشته است و شستشوی آیینی و یا نمادین در همه ادیان وجود داشته است. در اسلام بصورت وضو، غسل و در مسیحیت بصورت غسل تعمید، در هند بصورت حضور در رودخانه‌ها و مسائل دیگر جایگاه خاص خودش را داشته است.

ادیان دیگر مثل صائیان بودند و یحیی تعمیددهنده که دیشان تا حد زیادی پیوندی با آب داشته است. در مورد چاه جمکران، مشکل آخرالزمان را ناخودآگاه شیعه یک طوری درک کرده است. بالاخره یک ربطی بین این دو پدیدآمده است. مسئله آب زمزم که سوغات حاجیان از مکه است، ریختن آب پشت سر مسافر و مسائلی مثل این و داشتن یکسری خدایان. خدایانی که در ادیان غیر توحیدی مشخص بوده، بصورت ایزد رود، ایزد دریا، ایزد چشمه، ایزد آب برای مثال نپتون ایزد آب رومی هست و پزیدون هم ایزد آب یونانی است. کل گرایش‌های متافیزیکی و مذهبی که در پیرامون آب همیشه در ادیان مختلف وجود داشته است. من می‌خواهم این را عرض کنم که یک گستره وسیعی نسبت به آب بوده است.

نکته دیگر آخرین پیشنهادی که آقای دکتر دادند در مورد جنبش‌های اجتماعی که ظاهراً این جنبش جدید اجتماعی که ایشان گفتند باید بیانگر یک نوع جنبش آگاهی‌بخشی زیست محیطی باشد یعنی یک نوع *mental consciousness* در ایرانیان ایجاد بشود. در واقع این آگاهی زیست محیطی به انواع مخاطراتی که در پیرامون ما و در جامعه ما وجود دارد آنها را حساس کند. حالا مسئله آب، جنگل، مراتع هست، مسئله آب و هوا و انواع و اقسام آلودگی‌های متعددی که وجود داشته و متأسفانه به هیچ وجه ما در شرایط خوب از نظر آگاهی‌های زیست محیطی در حال حاضر نیستیم. یعنی مردم خیلی کم نگران هستند، حتی در مورد آب هم این نگرانی خیلی کم است. آلودگی هوا در تهران و در جاهای دیگر خیلی زیاد است و این ما را وادار نکرده که در رفتار خودمان و نگرش‌مان تغییر ایجاد کنیم. چون به این آگاهی زیست محیطی ما نیاز داریم ولی یک پارادوکسی اینجا ایجاد می‌شود.

در حالی که در غرب این آگاهی زیست محیطی از ندرت و کمیابی ایجاد شده است. براساس تحلیلی که جامعه‌شناسانی که مثل اینگل هارد دارند آنجا توجه‌ای که به محیط زیست شده است یک ریشه‌های پسامادی دارد. یعنی post material است بعد از اینکه آنها از مقوله کمی مربوط به غذا، امنیت و نیازهای دیگر انسانی‌شان مرتفع شده است حالا نسبت به محیط زیست، حیوانات، گیاهان، جنگل، آب و مقولاتی از این دست آگاهی زیست محیطی را پیدا کرده‌اند که شعارشان این است که با آب مهربان باشیم. ولی این مخاطره وجود دارد که در ایران آگاهی زیست محیطی با یک نوع فقر پیوند پیدا کند. یعنی پیش از اینکه آگاهی زیست محیطی باشد، مسئله فقر و معضل فقر باشد. یعنی شکم یا به تعبیر ساده تر آن این جنبش، جنبش شکم است. بخاطر اینکه نیازها هنوز برآورده نشده است.

مثال زدند در مواردی مثل آذربایجان، سیستان و بلوچستان و جاهایی که فقر وجود دارد. شکاف و محرومیت وجود دارد. توسعه نیافتگی است. بعد در کنار این هم آب، گرسنگی، کاهش اشتغال، خشک شدن مزارع و مثالی که با فقر پیوند نزدیکی دارند این مردم را به طرف حرکتی می‌کشاند که شاید به آن نشود گفت آگاهی زیست محیطی. حالا من این را طرح می‌کنم دوستان پاسخ بگویند. نمی‌خواهم حکم قطعی در این مورد بدهم ولی آگاهی زیست محیطی که از دل فقر در بیاید خوب این گرسنگی کویریان و کسانی که در مناطق کم آب زندگی کردند و ریشه تندی و خشونت در رفتارهای آنها از حیث سیاسی وجود داشت این وضعیتش چه خواهد شد. روی این مقوله یک مقداری باید فکر بشود.

یک موقعی بود که سامسونگ در تلویزیون تبلیغ می‌کرد و تبلیغش هم به این برمی‌گشت که این خرس‌های قطبی روی این کوه‌های یخ داشتند حرکت می‌کردند و به تدریج این یخ‌ها داشتند آب می‌شدند گرمایش زمین و مسائلی از این دست در کنار یخچال و تلویزیون سامسونگ تبلیغ می‌شد. چندین سال در ایران نشان دادند، دیدند این حرفها روی فروش تاثیر نمی‌گذارد. بعد با جامعه‌شناسان و روانشناسان مشورت کرده بودند، به ایشان گفته بودند که مردم ایران خیلی به این آگاهی‌های زیست محیطی را که الان شما دارید

می‌گویید در قطب شمال دارد کوه‌های یخ آب می‌شود، توجه ندارند. مشکل آنها این است که این‌ها بصورت تاریخی یک احساس ناامنی در وجدانشان وجود دارد. بنابراین شما یک چیزی را نشان دهید که مثلاً آن حس ناامنی ایشان را تحریک کند، بیشتر بروند این کالا خریداری کنند. یک طوری احساس کنند این کالا به آنها امنیت می‌دهد. امنیت هم یک مقوله سیاسی است. که اینجا هم امنیت انسانی مطرح شد. امنیت زیست محیطی در مقابل آن امنیتی که ما ایرانی‌های می‌توانیم بصورت تاریخی داشته باشیم که ناشی از یک نوع ناامنی حتی بصورت روحی هم در ما منعکس شده است. یک طوری در خواب و رویاهایمان می‌بینیم که می‌خوریم زمین یا می‌افتیم یکدفعه از خواب می‌پریم. یک جایی هم که خواب ببینیم که چیزی بدست آوردیم اینقدر این تیپ خواب‌ها در بین ایرانی‌ها بیشتر هست. یا الان یا در فرصت دیگری آقای دکتر کریمی به این مقوله هم پردازند. دکتر فرشاد مومنی از دیدگاه اقتصادی بحران آب و پیامدهای آن را مورد توجه قرار خواهند داد.

۵. آقای فرشاد مومنی

بحث خود را این طور آغاز می‌کنم که در سطح نظری هر جا حق مالکیت درباره هر منبعی دچار اختلال بشود شما می‌توانید ریشه‌های آن مسئله را در کیفیت بازار سیاست جستجو کنید. به این ترتیب از نظر ما وقتی که کشور با بحران آب روبرو می‌شود با توجه به اینکه ما با بحران‌های دیگر هم روبرو هستیم، می‌گویید یک سر اصلی ماجرا به بازار سیاست مربوط می‌شود. در سطح گسترده‌ای بازار سیاست منشأ قاعده‌گذاری اقتصادی و البته تخصیص منابع می‌شود. در آنجا با دو تعارض ضد توسعه‌ای روبرو می‌شویم. این دو تعارض ضد توسعه‌ای یکی این است که درگیری منافع گروه‌های پرنفوذ، اغلب به وضوح در جهت عکس منافع ملی و پایداری حیات ملی قرار می‌گیرد و مسئله مهم دیگر این است که در غیاب تمهیدات نهادی مناسب همسویی بنیادین میان اقدامات و تمهیدات کوتاه مدت و بلندمدت هم دچار اختلال می‌شود. بنابراین بحث از این زاویه یعنی حقوق مالکیت

و نقش آن در بحران آب و چالش‌های آن ما را به این نتیجه می‌رساند که موضوع در ذات خود یک مسئله اقتصاد سیاسی است.

به محض اینکه مسئله، مسئله اقتصاد سیاسی شد، هم برای فهم ماجرا به شکل قابل قبول و هم برای رهگیری سازوکارهای برون رفت از این شرایط، گفته می‌شود که سه مولفه کلیدی باید زیر ذره بین قرار بگیرد. این سه مولفه عبارتند از سازه‌های ذهنی که با تفاوت‌هایی اندک به آن فرهنگ گفته می‌شود. ساختار نهادی، یعنی سازمان‌های رسمی، غیررسمی و اجرایی و بالاخره اقتصاد سیاسی که ناظر بر نظام توزیع منافع می‌باشد از کانال این سه مولفه ما می‌توانیم هم بحران آب در ایران را توضیح دهیم و هم راه‌های برون رفت را بیان کنیم.

در یک اقتصاد سیاسی رانتی، خود فهم واقعیت و بدست آوردن یک تصویر دقیق و شفاف از صورت مسئله چالش بسیار بزرگی است. در جاهای دیگر دنیا شما می‌بینید که مثلاً در تصویربرداری از واقعیت، آنها خیلی زود به یک درک استاندارد می‌رسند که هر کس با هر بینش و نگرشی راجع به اصل آن مسئله به آن ترتیب که تصویر شده است توافق می‌کنند. اختلافات روی تحلیل چرایی و چگونگی یا صورت‌بندی نظری و توصیه‌ها و تجویزها بروز می‌کند. من معتقدم اگر که مجال کافی داشته باشیم می‌شود راجع به تصویری که در مورد مسئله آب در ایران منتشر می‌شود و اینکه چقدر دستکاری شده است، صحبت کنیم. دستکاری در این تصویر تابع یک اصل مهم اقتصاد سیاسی یعنی رابطه بین دانش و قدرت است و این رابطه است که آثار خود را بروی ساختار نهادی و نظام توزیع منافع هم می‌گذارد. پس یک گام بنیادی و اصولی در این زمینه عبارت از آن است که ابتدا تصویر و تلقی موجود از بحران آب را کمی شفاف کنیم.

الان فضا به سمتی می‌رود که در ماجرای بحران آب به ما می‌گویند هر چه فریاد دارید بر سر کشاورزی و جامعه روستایی بکشید. اما وقتی وارد جزئیات مسئله می‌شوید می‌بینید که اتفاقاً خود بخش کشاورزی از قربانیان این اقتصاد سیاسی است که با بنیان‌های مشخص و براساس قاعده‌گذاری مشخص و منافع مشخصی تعریف شده است. الان در ادبیات فارسی

زبان راجع به مفهوم آب مجازی شما می‌بینید تقریباً حرف گسترده و جدی مطرح نمی‌شود. چرا مطرح نمی‌شود؟ برای اینکه اگر مسئله آب مجازی را لحاظ کنیم مشخص می‌شود مقدار آب فیزیکی مورد استفاده در فرایند تولید یک محصول خیلی مهمتر از این اصل است که آب برای کدام بخش باشد و اگر آن جوری شد شما می‌بینید که به هیچ وجه آن چیزهایی که مثلاً به ذهنیت‌های خام و ساده، زود هم پذیرفته می‌شود که مثلاً یک قلم بیش از نود درصد آب در بخش کشاورزی مصرف می‌شود. تصحیح خواهد شد و البته این اصلاح و تصحیح از همان برندگان و بازندگان دارد برای مثال با ذهنیت موجود می‌گویند هرچه قدر خانوارها و بنگاه‌های تولیدی و لنگاری کردند اشکالی ندارد و دولت هر چه قدر اشتباهات فاحش از نظر نوع قاعده گذاری و محوریت منافع گروه‌های ذی‌نفع انجام داد اشکالی ندارد و همه ماجرا کانالیزه می‌شود به بخش کشاورزی. و جامعه روستایی بی دفاع کشور پس یک بخش مهم ماجرا این است که مشخص کنیم که در بحران آب در ایران بخش کشاورزی در فرایند مصرف آب چقدر نقش دارد که اینقدر عمده شده است. این مساله وجوه دیگری هم دارد مثلاً در حالی که میزان بارش ما تقریباً یک سوم میانگین جهانی است میزان تبخیرمان تقریباً سه برابر میانگین جهانی است. می‌توان یک سوال جدی در چارچوب آن سه مولفه مطرح کرد و به بحث گذاشت با این مضمون که چرا در حالی که ما به طور متوسط میزان تبخیرمان سه برابر میانگین جهانی است پس این ماجرای جنون آمیز سدسازی‌های غیر عادی غیر کارشناسی، شتابزده و پشت پرده آن چه نسبتی با مسائل دولتی و چه نسبتی با منافع خاص دارد؟ در کلی‌ترین سطح می‌گویند با اینکه میزان سطح بارش یک سوم میانگین جهانی است و این میزان بارش نه کافی است و نه در مکان مناسب و نه در زمان مناسب اتفاق می‌افتد. در این‌ها کشاورزان ما چه نقش و تاثیر و جایگاهی دارند؟ یعنی در آن سازه‌های ذهنی که برای ما تصویر می‌کنند جایگاه متغیرهای درون‌زا و برون‌زا با هم مخلوط می‌شود تا نتایج در کانال‌های خاص قرار گیرد.

برآوردهایی وجود دارد توسط فائو که می‌گویند میانگین جهانی کشت محصول به صورت دیم نود درصد است و کشت آبی ده درصد است. کشاورزی دیم ایران با آن وضعیتی که

در مورد آب آن می گفتیم دقیقاً برعکس است. یعنی از کل کشت ایران ده درصد دیم نود درصد آبی است. اگر ما واقعا به سمت حل و فصل مسئله برویم اگر مسئله را کج دیده باشیم حتی با صداقت و حسن نیت راه حل کج و معوج را جستجو می کنیم. پس اگر کسی می خواهد این ماجرا درست حل بشود باید کمک کند که ابتدا خود مسئله دقیق و شفاف شود. من داده های زیادی در این زمینه فراهم کرده ام که هر وقت لازم شد با جزییات درباره آن توضیح می دهم.

مسئله بعدی ساختار نهادی است یعنی اینکه قاعده گذاری هایی که ما می کنیم به چه صورتی است؟ با اینکه این بحث یک بحث ریشه داری است من می خواهم شما هم از این زاویه به برخی تصمیم گیری هایی که حتی در همین دولت جدید صورت گرفته است نگاهی بیاندازید و ببینید چگونه ساختار نهادی در ایران بصورت سیستمی بر علیه دو گروه و به نفع سه گروه عمل می کند. آن دو گروهی که بخش قابل اعتنایی از قاعده گذاری ها و اقتصاد سیاسی ایران بر علیه آنها سامان پیدا می کند، عامه مردم و تولید کنندگان هستند. یعنی آنهایی که بقای کشور اساساً به آنها وابسته است و آنهایی که به نفع شان قاعده گذاری می شود غیرمولدها هستند که در چارچوب فعالیت های بخش کشاورزی عمدتاً شامل رباخوارها واسطه ها و سلف خرها می شود و با کمال تاسف در ربع قرن اخیر در اقتصاد سیاسی ایران و بالاترین سطح در دوره هشت ساله مسئولیت احمدی نژاد در میان غیرمولدها هم بیشترین اهتمام به منافع آنهایی که به تجارت پول مشغول بودند وجود داشته است. اگر بخواهیم وارد جزئیات قضیه هم بشویم برای خودش ماجرای هست و مسائل خیلی تکان دهنده یی بروز پیدا می کند.

یکی از آنها این است که رئیس بانک مرکزی دولت قبلی در سال حمایت از تولید ملی به صراحت در تریبون عمومی آمد گفت که از کل نیازهای نقدینگی مولدها، سیستم رسمی پول فقط یک چهارم آن را می تواند تامین کند. غالب جهت گیری های سیاسی به گونه ای است که این اهتمام به رونق بخشی به بازار نزول خواران داده است. این کار تحت چه عنوانی صورت می گیرد، تحت عنوان اصولگرایی. جالب آن که حتی در میان نیروهای به

اصطلاح ارزشی این سوال مطرح نمی شود که این چه جور اصولگرایی است که اهتمام اصلی آن ترویج ربا است. شما دیدید که در بعضی زمینه ها و ارزش ها خیلی واکنش نشان می دهند، در این زمینه ما ندیدیم. حکمت آن چیست؟ برگردیم به آن وجه سوم یعنی نظام توزیع منافع. مسئله برندگان و بازرندگان. ببینید آن الگوی توزیع رانتی که در دولت قبلی وجود داشته است برخوردارشوندگان چه کسانی بوده اند. آسیب دیدگان چه کسانی بودند؟ به همان صورت که عرض کردم کم و بیش روشن است عموماً در این سمت گیری ها ولو اینکه نیت ها چیز دیگری باشد، پشتوانه ها هم یک چیز دیگری باشد، آن چیزی که عمل می شود این است که اصابت آثار سوء عموماً به عامه مردم و تولیدکنندگان است و رانت خواران و رباخواران و سوداگران برندگان اصلی این ماجرا هستند.

بنابراین راجع به مسئله آب هم این است که دامن زدن به این بحث ها کمک کند که ما اسیر آن دستکاری های واقعیت نشویم. اینطور نشود که از ترس اینکه آب مهم است یادمان برود که غذا هم مهم است. شما مطالعات آینده شناختی را نگاه کنید جهان به سمت شدت یافتن بحران مواد غذایی و گران شدن این مواد پیش می رود. این فضایی است خیلی غیرعادی که واقعیت را دستکاری می کنند و بعد از دل آن برمی آید که بخش کشاورزی و جامعه روستایی محکوم بشود. علت آن این است که این بخش جامعه صدایی در مراکز قدرت و ساختار توزیع رانت ندارد. شما تحولات پنجاه سال اخیر ایران را نگاه کنید همیشه سهم بخش کشاورزی از سرمایه گذاری ها کمتر از یک سوم سهم این بخش در ارزش افزوده و کمتر از یک چهارم سهم این بخش در اشتغال بوده است. اینها نه صدایی در کانون های توزیع رانت دارند و نه انسجام و تشکلی دارند که به منافع آنها به هر شکلی تعرض شد بتوانند واکنش نشان دهند. از نظر تاریخی هربار تاریخ تحولات ایران را از این زاویه نگاه می کنید می بینید بحران هایی که به بخش کشاورزی و جامعه روستایی ایران در کادر سیاست اقتصادی و نظام رانتی توزیع منافع تحمیل می شود، زمانی ذهن سیاست گذاری اقتصادی را درگیر می کند که به تبع آن بحران برای بخش هایی از شهرنشین ها مشکلاتی پدید بیاید و گرنه تا زمانی که آن اتفاق نیافتد شما هرگز صدایی

نمی‌شنوید و الا اگر برای جامعه روستایی حتما شرایط فاجعه آمیز هم پدید آید چندان حساسیت برانگیز نخواهد بود.

پیش بینی من این است که ایده ای که تحت اتحاد سه گانه منحوس در اقتصاد سیاسی ایران شرح کردم و انعکاس عمومی هم پیدا کرده است و شامل دولت کوتاه نگر، غیرمولدها و نئوکلاسیک های وطنی می شود بحث ها را در عمل به شکلی جلو می برند و مسیر به این شکل می شود که به طور خاص تولید کنندگان تحت فشار قرار می گیرند و در این میان کشاورزان بیشتر و این یک مولفه چشم اندازهای نحوه مواجهه با ماجرای آب در صورت عدم ارتقاء آگاهی عمومی است. مولفه دیگر آن هم تنبیه شهروندان است از این زاویه مشابهت های بسیار تکان دهنده ای میان ماجرای حامل های انرژی و ماجرای آب وجود دارد. در ماجرای حامل های انرژی با اینکه گزارش های رسمی می گفتند که روزانه تقریباً معادل یک میلیون بشکه نفت خام در فرایندهای تولید، انتقال و توزیع حامل های انرژی تلف می شود که ماجرا هم به حکم علی الطلاق در انحصار دولت هست. اما وقتی خواستند قاعده گذاری کنند کانون اصلی تنبیه ها مصرف کنندگان بود یعنی عامه مردم، یعنی گنه کرده بود در یک جای دیگر، انحصارگر ناکارآمد دولتی، و چوبش بر سر مردم زده شد.

در ماجرای آب هم این قضیه عیناً تکرار خواهد شد. یعنی آنها خواهند گفت آب مصرفش نابهنجار است. پس چه کار کنیم که هنجار شود، باز مثلاً دقت بفرمایید در حالی که خود گزارش های رسمی می گوید یک سوم اتلاف آب در شهرها مربوط به پوسیدگی لوله است و آن هم درست مثل حامل های انرژی در دست انحصارگر ناکارآمد دولتی است و چوبش باید بر سر مردم زده بشود. این طرز برخورد آن اتحاد سه گانه با مسایل و نحوه چاره اندیشی برای برون رفت از یک چنین چالشی است. اما یک موقع است شما مثلاً یک همچین ظلمی را مرتکب می شوید، گرهی باز می شود، یک موقع است گرهی هم باز نمی شود و عملاً در چارچوب آن اتحاد سه گانه به باعث شوندگان اصلی شکل گیری این بحران پاداش می دهیم که تو ناکارآمدی های خود را استمرار ببخشی. چون اینطوری است

و کل نظام ملی در ماجرای این طرز برخورد که به مقتضای اقتصاد سیاسی ایران صدمه می‌بینید باید به عنوان یک مسئله ملی با این قضیه برخورد بشود. کمک کنیم که مسئله درست شناسایی بشود و راه‌حل‌ها اصابت کند به کانون‌های اصلی مشکل. من وقتی که بخوام برای شما تشریح کنم که در این ماجرا چه غفلت‌هایی در حد نادیده گرفتن بدیهیات اولیه گرفته، واقعا برای شما حیرت‌انگیز خواهد بود. درست مانند ماجرای انرژی از منظر نهادی یکی از کانون‌های اصلی بحران این است که در این مملکت ما یک ستاد حاکمیتی برای سیاستگذاری انرژی نداریم. عینا این مسئله در مورد آب هم هست یعنی مثلا در ماجرای آب هم وزارت جهاد کشاورزی به یک سمتی می‌کشد و آنها قویا ادعا دارند که در چارچوب خاص اقتضائات اقتصاد سیاسی وزارت نیرو داده‌های دستکاری شده در مورد نقش بخش کشاورزی ارائه می‌کند. این دعوا، دعوای خیلی جدی است. عینا آن تعارضی که بین جهاد کشاورزی و وزارت نیرو در بخش مهمی از ماجراهای آب وجود دارد بین این دو و محیط زیست هم وجود دارد بین این سه تا و سازمان برنامه‌ریزی هم وجود دارد. بنابراین به نظر من یک راه حل اصولی به شرحی که دوستان اشاره کردند ما کمک کنیم در گام اول واقعیت همانطور که هست دیده بشود.

نکته بعدی این است که در برنامه ششم به طور جدی خواسته بشود که راجع به این مسائل سرنوشت ساز ستادهای حاکمیتی کارآمد شکل بگیرد. مسئله بعدی این است که حواسمان باشد که اقتصاد رانتی و دولت رانتی بدون اینکه بخواهیم راجع به نیت‌شان تردید کنیم در ذات خود یک رویکرد کوتاه‌نگرانه به حل و فصل مسائل دارد یعنی به صورت نظام‌وار و نهادمند ملاحظات بلندمدت را قربانی ملاحظات و منافع کوتاه مدت می‌کند. بنابراین باید کمک کنیم که مسئله بصورت سیستمی در افق دور مدت دیده بشود و در یک مسئله خاص به شرحی که اشاره کردم حواسمان باشد همانگونه که آب مهم است، غذا، مسکن و امنیت هم مهم هستند و اینجوری نباشد که از یک راه خاصی به صورت غیر نرمال مسئله را بزرگ ببینیم و وجوه حیاتی بسیار مهم دیگر را نادیده بگیریم. بالاخره آن چیزی که به نظر من مهم و سرنوشت‌ساز در این ماجرا است این است که در صد ساله گذشته تاریخ

ایران نگاه کنید هر وقت که بین دولت و عامه مردم روابط اجمالا مبتنی بر حسن اعتماد وجود داشته است با وجود بی سابقه بودن مشکل‌ها ما درخشان‌ترین کارنامه‌ها را داشته‌ایم. بنابراین باید صمیمانه و خاضعانه با دولت صحبت کرد که این‌ها با مردم صادق باشند و مردم هم باید مسئولیت شناس باشند که معمولاً وجه غالب همین طور است و البته رفتارهای ایشان بویژه تابع صداقت ورزی و برخورد عادلانه دولت با مسائل می باشد و کلید کار آنجاست

اگر فرصت شود عرض خواهم کرد که هم در بسته سیاستی دولت و هم در سند لایحه بودجه سال ۱۳۹۴ علایم بسیار جدی وجود دارد. در مورد این پدیده‌ایی که من اسم آن را می‌گذارم قفل شدگی به تاریخ یا وابستگی به مسیر طی شده. هیچ ردی از دریافت پیام بحرانی بودن مسئله آب در جهت‌گیری‌هایی که در لایحه بودجه ۹۴ و در آن بسته سیاستی وجود داشت شما نمی‌بینید، صورت ظاهر آن این است که منابعی تخصیص پیدا کرده است. اما وقتی که وارد جزئیات می‌شوید می‌بینید در چارچوب همان اقتصاد سیاسی رانتی و منافع گروه‌های ریشه‌دار پرنفوذ تخصیص‌ها در نظر گرفته شده است و به کانون‌های اصلی ماجرا همچنان یک بی‌توجهی غیر متعارف وجود دارد و باید امیدوار بود که لاقبل هنگامی که لایحه در صحن علنی مجلس می‌آید اصلاح شده باشد اگرچه آرزوی خیلی بعیدی به نظر می‌رسد در سالی که ما در سال ۹۴ با سیکل سیاسی هم روبرو هستیم. ولی باید تلاش کرد حداقل یک هوشیاری در حدنصاب در نظام تصمیم‌گیری کشور بویژه در مجلس برای به حداقل رساندن غفلت‌ها و تصحیح اشتباهاتی که در این زمینه صورت گرفته اتفاق بیافتد.

• آقای سید محمد امین قانع‌ی راد

یک صورت بندی مختصری از بحث آقای دکتر مومنی داشته باشم این است که دیروز هم من خودم فکر می‌کردم شرایط بحران هست، بحران آب هست، بحران اشتغال، بحران محیط زیست، بحران تورم، بحران آلودگی هوا، بحران اعتیاد. بعد یک بحران تفکر هم هست که الان آقای دکتر به ابعاد آن اشاره کردند. یعنی بحران ناکارآمدی طرح مسئله یا

طرح مسئله غلط اینکه ما ندانیم آن چه هست؟ اصلا هم نشود به اجماع برسیم در موردش. یعنی، احتمالا تحت فشار انگیزه‌های مرتبط با منافع بخشی و یک مقدار هم تحت تاثیر شرایط کلی که به سر می‌بریم مسئله بصورت ناقص، غیرسیستماتیک طرح شود. یعنی ندانیم دقیقا مشکل کجا هست و بعد راه حلی هم که می‌دهیم، راه حلی باشد که به هیچ وجه نتواند مشکل را حل کند مبتنی بر تقویت نیروهایی باشد که عوامل ایجاد بحران در جامعه هستند. یعنی همان بخش‌هایی که آقای دکتر گفتند که معمولا مثل سوداگران مالی و نیروهای غیرمولد، راه‌حلی‌هایی بدهیم که این‌ها تقویت بشوند. یا بحرانی که بخشی از آن ناشی از ناکارآمدی دولت است، دولت به مفهوم کلی خودش. راه‌حلی اتخاذ کنیم که این ناکارآمدی تقویت بشود. مشکلی است که آقای دکتر توجه ما را به آن جلب می‌کنند. هم در طرح مسئله و هم پیدا کردن راه‌حل‌ها هوشمندانه و هوشیارانه‌تر حرکت کرد. معمولا مسئولین دولتی ساده‌ترین راه‌حل را انتخاب می‌کنند که زود هم بتوانند در بودجه و قانون منعکس شود و بعد یک درآمدی داشته باشد. گویا تصورشان این است که با پول هم می‌توان همه چیز را حل کرد. از خدمت سربازی گرفته تا سه هزار نفر دانشجوی بصورت غیرقانونی وارد شده‌اند. پول بدهند باشند، سربازی نرفتند پول بدهند باشند. اگر چاه‌های غیرقانونی حفر کردی بعد از یک مدت جریمه بده، همه چی می‌رود به سمت این قضیه مالی و آخر هم گفته می‌شود که آب بهای مصرف‌کنندگان شهری سی درصد اضافه بشود. بعد خیال خودشان را راحت کنند که یک نتیجه‌گیری انجام بشود. یک مقداری کار چهار نهاد را مشکل می‌کند. اگر همکاری می‌کنند امیدواریم که کمک بشود. آقای مهندس اسفندیاری شما بیشتر کمک کنید که انشاءالله طرح مسئله و راه‌حل‌ها مناسب‌تر باشد.

۶. آقای انوش نوری اسفندیاری

یکی از نمایندگان مجلس که در زمینه آب آشنایی دارند و قرار بود در این نشست حضور داشته باشند، دیروز اطلاع دادند که نمی‌توانند بدلیل بحث‌هایی که در مورد بودجه هست حضور یابند. حضور ایشان دو منظوره بود هم به عنوان کنش‌گر سیاسی و هم به عنوان یک مطلع از بخش آب. چون معمولا در نشست‌های ما ترکیب طوری هست که از اқشار

مختلف حضور دارند. از جمله خود کارکنان دولت و مدیران دولتی و هم از بخش خصوصی. این نماینده مجلس به عنوان همکاری که در حوزه مدیریت آب سابقه‌ی طولانی دارد و می‌تواند مسائل را مصداقی‌تر در این نشست بیان کند. اگر اجازه بدهید بخش دوم مسئولیت ایشان را که راجع به مسائل مصداقی‌تر درباره آب است را اینجانب مطرح کنم.

من ابتدا تلاش می‌کنم نکاتی که سخنرانان در جلسه مطرح کردند بیان کنم و دوم آن را با ادبیات آب توضیح بدهم و براساس یک چارچوبی همین معضل را که ما با آن مواجه هستیم که نمایندگان آن مسائل خودشان نمی‌توانند مسائل را حل کنند. بنابراین چه باید کرد؟ دو تا مفهوم را از زاویه ادبیات کار خدمت دوستان ارائه می‌دهم. یکی بحث سیاست‌ورزی آب یا Water Politic است. دوم بحث حکمرانی آب یا Water Governance هست که ترجمه‌های مختلفی شده است.

در کشور ما امروز بیشتر به حکمرانی توجه کرده‌اند. اشاره شد به اهمیت آب در جامعه و اینکه موضوعات دیگری تحت تاثیر آب قرار نگیرند که من اصلاً بعید می‌دانم که موضوعات دیگر از آب جدا بشوند. بدلیل اینکه در خصوص رابطه آب و جامعه با مباحث محوری روبرو هستیم. بعضی از آنها را می‌توانم اشاره کنم مسائل بهداشتی که با سلامت و تامین حداقل حقوق بشر و آحاد جامعه سروکار دارد. مسائل برای فعالیت‌های معیشتی و تولید غذا که در کشور ما خیلی خیلی وابسته به آب هست. مصارف اقتصادی برای کشاورزی، برای صنعت و خدمات، مدیریت ریسک و خطر که خشکسالی و سیل دو نمونه سنتی آنها هست. آلودگی آب، رانش زمین، باران اسیدی این‌ها مدیریت جدید ریسک در مورد چرخه آب هستند. بالاخره مدیریت محیط زیستی با توجه به خدمات مستقیم و غیرمستقیم که اکوسیستم‌های آبی به جامعه ارائه می‌دهند. مبادله پایاپای یکی از نمونه‌های بارز آن هست. اما در هر جامعه کافی نیست به این اشاره کنیم که آب مهم است. باید مشخص کنیم که آب به طور مشخص در هر جامعه‌ی چه اهمیتی دارد و ابعاد آن در حوزه‌های سیاسی چگونه پیگیری می‌شود. وقتی که ما حوزه‌های سیاسی را از نظر

سیاست‌ورزی آب مطرح می‌کنیم، منافع شامل چه کسانی می‌شود؟ کی و چگونه این منافع توزیع می‌شود؟ و آیا امکان بهبود و اصلاح نظام سیاسی امکان‌پذیر است؟

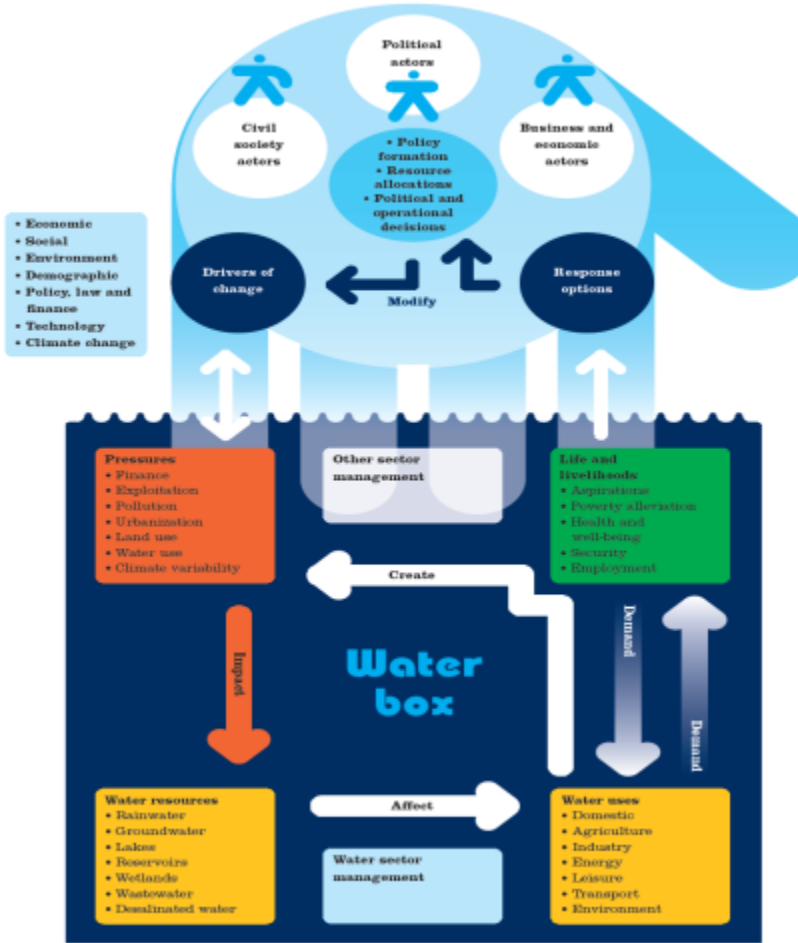
بر این اساس ما بحثی داریم با عنوان سیاست‌ورزی داریم. منظور از سیاست‌ورزی هنر و علم راهبری و اداره امور دولت‌ها و سایر نهادهای سیاسی است. در حوزه آب آن زمینه‌هایی از سیاست‌ورزی که مرتبط با دسترسی به آب و خود منابع آب و در رابطه با کنش‌های حیاتی جامعه باشد، تحت عنوان «سیاست‌ورزی آب» می‌شناسیم. در سطح سازمان‌های بین‌المللی مثل یونسکو، این حوزه را آن قدر وسیع دانسته است که به سه دامنه تقسیم کرده است. یک حوزه آن مربوط به فرایندهای حکمرانی است که در مورد تصمیم‌گیری‌های آب که بسیار سیاسی هستند صحبت می‌کند. حوزه دوم رابطه قدرت و آب هست که از نظر انصاف و یکسانگری در جامعه پیامدهای تصمیم‌گیری روی این موضوع مورد بحث قرار می‌گیرد. سومین حوزه روابط بین جامعه، فناوری و اکولوژی است. بحث زیرساخت‌ها و جامعه است.

شورای جهانی آب که یک نهاد جهانی غیر از نهادهای سازمان ملل است و هر چند سال یکبار هم نشست‌های بزرگی درباره آب در سطح بین‌المللی برگزار می‌کند در معرفی استراتژی‌های خودش به آب و مدیریت آب ذیل عنوان همین سیاست‌ورزی آب اینطور توجه دارد که عملکرد موفق مدیریت آب نقش محوری در حل و فصل معضلات اقتصادی، اجتماعی، محیط زیستی همه جوامع دارد. آب معمولاً محدودکننده و تعیین‌کننده داد و ستدهایی است که بین فعالیت‌های مختلفی انسانی اتفاق می‌افتد و همچنین وسیله‌ای برای ارائه راه‌حل‌های مشترک برای دشوارترین چالش‌های جهانی است. سومین موضوعی که شورای جهانی اشاره دارد ذیل این عنوان مدیریت خردمندانه آب و نقش محوری است که در حل معضلات جهانی در زمینه اقتصادی و اجتماعی و محیط زیستی دارد.

نهاد دیگری که به این موضوع پرداخته است یک نهاد هماهنگ‌کننده است در سازمان ملل تحت عنوان UN Water مشابه UN Energy. در گزارش سوم خودش که تصویبش را می‌بینید اشاره کرده است که بحران آب، اساساً بحران حکمرانی است. حکمرانی یک نگاه

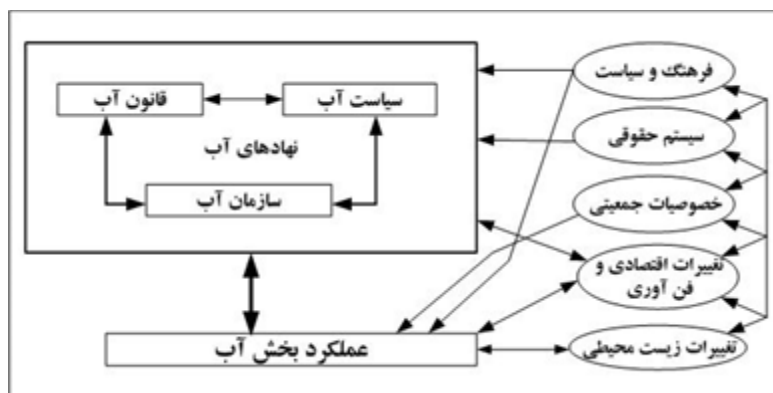
سیستمی و نظامند به مسائل آب است که مسائل آب را فراتر از مدیریت آب می‌بیند و اعتقاد دارد که ما باید به سیستم‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی جامعه توجه کنیم و بخواهیم مسائل بحران آب از این زاویه را مورد تجزیه و تحلیل قرار بدهیم. بر این اساس در گزارش‌های خودش اعلام کرده است که وضعیت آب را بصورت دوره‌ای رصد می‌کند. بیان کرده است که جوامع برای حکمرانی آب با چالش‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی روبرو هستند. پیرو آنچه که گفته مسئله آب اساساً یک مسئله حکمرانی است. مهمترین چارچوب مفهومی که همین نهاد در سازمان ملل ارائه داده است چارچوبی هست که در ادامه آورده شده است، تحت عنوان **inbox** و **outbox** که رویدادها و گزینه‌های مربوط به آب را در دو بخش طبقه‌بندی کرده است یکی داخل بخش آب که قسمت سورمه‌ای رنگ هست و یکی قسمت بیرونی بخش آب که بصورت آبی کم رنگ هست. آبی کم رنگ به شکل دست انسان است. و آن قسمتی که سورمه‌ای هست این‌ها عللی هست که در داخل بخش آب اتفاق می‌افتد. و یک بخشی از آن مدیریت آب هست. این چارچوب مفهومی را برای این ارائه داده است که مطرح کند سیستم‌های سیاسی، اجتماعی موثر در محیط پیرامونی هستند که اساساً بیشتر تصمیمات را می‌گیرند و در شرایط و وضعیت آب اعمال می‌کنند.

DECISION-MAKING AFFECTING WATER



این نهاد در گزارش سوم، ارزیابی خود از رویدادها را بر این اساس تدوین کرده است. همین که ما به بخش بیرون آب بیشتر توجه کنیم. در اینجا سه رکن حکمرانی یعنی را به جامعه مدنی، بخش خصوصی و کنش گر سیاسی می شویم. ملاحظه می کنید. از این دیدگاه حکمرانی ارتباط بین این سه کنشگر است و حکمرانی خوب حکمرانی است که از تعامل مثبت و شفاف بین این سه کنشگر بتواند تصمیمات خوبی بیرون بیاید. در تحلیل نهایی بحث محوری ما در حکمرانی آب بحث اقتدار سیاسی است که بتواند تصمیمات را اجرا بکند و ملاحظه می کنید که این سه تا کنشگر به صورت سه تا تصویر

آدم در اینجا ملاحظه شدند. براین اساس رویدادها تحلیل می‌شود و مشخص می‌شود که چگونه این محیط پیرامونی تاثیر می‌گذارد بر جزئیات تصمیماتی که گرفته می‌شود و در بخش آب منعکس می‌شود.



در شکل فوق سه بخش را ملاحظه می‌کنید که سمت چپ نهاد آب هست که خودش از سه جزء یا ساختار مشخص شده است. سیاست آب، قانون آب و تشکیلات آب. در قسمت راست ملاحظه می‌کنید که عوامل پیرامونی یا محیط استراتژیکی که تاثیرگذار هستند و نهاد آب. در قسمت پایین سمت چپ عملکرد نقش آب را ملاحظه می‌کنید. عملکرد آب تحت تاثیر نهاد آب و نهاد آب خودش تحت تاثیر محیط استراتژیک و محیط استراتژیک مستقیماً هم بر عملکرد نقش آب تاثیر دارد.

در بخش نهاد آب به طور رسمی هر سه رکن مورد نقد رسمی قرار می‌گیرد و ما الان یکسالی منتظر تغییراتی که باید در درون آب، در سیاست‌های آب و در تشکیلات آب اتفاق بیافتد هستیم که هنوز این اتفاق نیافتاده است. به عنوان مثال ما قانون جامع آب را داریم که از برنامه سوم قرار بود این قانون وضعیتهش مشخص بشود. سیاست‌های آب را داریم که قرار بود این سیاست‌ها در یک چارچوب کلی که به آن اشاره می‌کنم تنظیم بشود که هنوز این چارچوب شکل نگرفته است. تشکیلات آب قرار بود حوزه آبریزی بشود. قرار بود که حکمرانی آب و سازمان‌های مربوطه شکل بگیرند. در ایران هیچکدام تحقق پیدا نکرده است ضمن این که انسجام بین سه مجموعه هم مورد توجه بوده است.

علاوه بر اینها مولفه‌های دیگری داریم مثل سرمایه اجتماعی، سازوکارهای اجرایی تصمیمات که اساسا مورد توجه و بررسی قرار نگرفته است.

آنچه برای کشور خودمان از نظر سیاست‌ورزی اهمیت دارد تحولی است که از دهه چهل در کشور اتفاق افتاد و آب وارد حوزه عمومی شد. تا پیش از آن قوانین مرتبط با آب در حوزه خصوصی مطرح می‌شد. ولی از وقتی که آب ملی شد، نحوه ملی شدن آن مورد بحث قرار گرفت و پیامدهای آن جزء انفال به یک شکلی جزو مشترکات در نظر گرفته شد. حوزه عمومی تغییرات بسیار گسترده‌ای را بروی بخش آب اعمال کرد و حضور حوزه خصوصی بسیار کم رنگ شد به طور کلی مالکیت آب دچار ابهامات زیادی شد که آقای دکتر مومنی به این قضیه اشاره کردند. قرار بود صدور پروانه بهره‌برداری جای آن حقوقی که در قانون مدنی تعریف شده بود، بگیرد که هنوز این صدور پروانه علی‌رغم اینکه در برنامه سوم و چهارم پیش‌بینی شده بود تحقق پیدا نکرد.

به طور کلی طبق قانون اساسی اقتصاد ما اقتصاد برنامه‌ای هست، برنامه‌های مختلفی داریم. سیاست‌ورزی آب در چارچوب این قانون و نظام برنامه‌ریزی ما اتفاق می‌افتد که خودش شرح بسیار مفصلی می‌خواهد که این نظام چگونه کار می‌کند. قسمتی از این مشکلات را در نشست تخصصی ارزیابی هدف‌های تحقق نیافته بخش آب که علاقمندان می‌توانند به سوابق مراجعه کنند، بررسی کردیم. اولین نشست تخصصی ما راجع به سیاست‌های هدف‌های تحقق نیافته آب بود. ما از نظر اجزای کار در نظام سیاست‌ورزی آب این اجزا را داریم: طرح جامع، سیاست‌های کلان ۱۳۷۹ و خط‌مشی‌های درازمدت آب برای اجرای سیاست‌های کلان در سال ۱۳۸۲ به تصویب هیئت وزیران رسیده است. برنامه‌های پنجساله را داریم. برنامه‌های منطقه‌ای هم به نوعی داریم و برنامه سالانه هم داریم که باید برنامه سالانه موثر باشد بروی بودجه‌بندی‌مان و خودش نیز برش سالانه‌ای باشد از برنامه پنجساله و برنامه‌های درازمدت تا آن حادثه‌ایی که مربوط به کوتاه‌نگری‌ها هست اتفاق نیافتد.

طرح جامع ما تا به الان هیچ‌گونه تاثیری روی برنامه‌ریزی استراتژیک ما نداشته است. علی‌رغم اینکه ما این برنامه‌ها را انجام داده‌ایم و فراهم کرده‌ایم ولی هیچ وقت وزارت نیرو

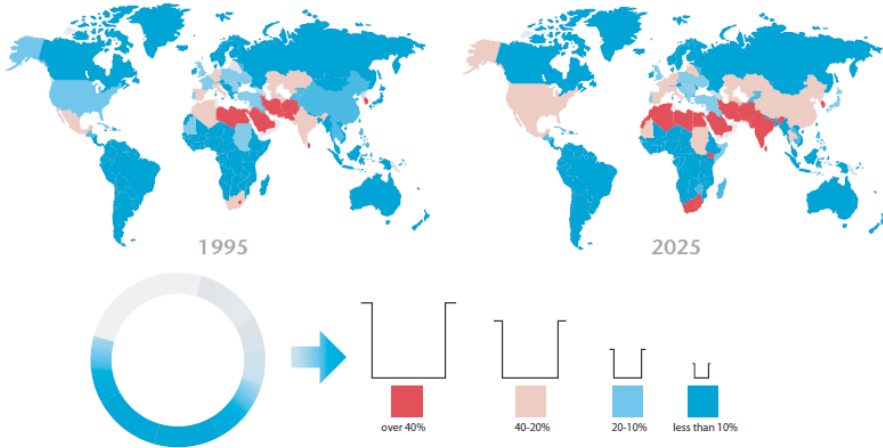
برای برنامه تغییر مدیریت استراتژیک خودشان آن‌ها را مینا قرار نداده است. سیاست‌های کلان بخش آب در سال ۱۳۷۹ که ابلاغ شد قرار بود که نحوه اجرایی کردنش از طریق تعیین استراتژی‌ها مشخص شود که این استراتژی‌ها از سال ۱۳۸۲ با تغییر دولت کاملاً تعطیل شد. در مورد برنامه‌ریزی‌های پنج‌ساله هم در آن نشست اهداف تحقق نیافته اشاره کرده‌ایم که هفت سیاست اصلی است که همیشه تکرار می‌شود. ولی هیچ موقع در مورد عملکرد آن و یا چرا این سیاست‌ها در ایران تحقق پیدا نکرده‌اند هیچ‌گونه ارزیابی و نظارتی اتفاق نمی‌افتد. همین‌طور تکرار می‌شود و احتمالاً در برنامه ششم می‌بینید که تکرار می‌شود. مثلاً در مورد تجمیع مصرف‌کنندگان آب برای تحویل حجمی آب کشاورزی و یا افزایش کارایی آب.

برنامه‌های منطقه‌ای اساساً زیاد تاثیر نمی‌گذارند بروی نظام برنامه‌ریزی ما. برنامه‌ریزی ما عمدتاً بروی برنامه‌های بخشی هست که آب هم به عنوان یک بخش در نظام بودجه‌ریزی ما مطرح هست. برنامه‌های سالانه ما معمولاً با هدف‌های کوتاه‌مدت و تحت‌تاثیر یک جو و یکسری ضوابط غیررسمی اتفاق می‌افتد. از مشخصات سیاست‌ورزی آب در کشور ما بزرگ بودن بخش غیر رسمی است. نهاد آب هست. یعنی ضوابطی که چندان مشخص و روشن نیست ولی بصورت نانوشته وجود دارد و حسب تمهیدات دولت‌ها ممکن سایه روشن‌ها عوض بشود. اما در مورد آب، سیاست‌های تغییر نکرده و اشکالات اساسی خودشان را کماکان داشته است و هیچ ربطی به تغییر دولت‌ها نداشته است.

نتیجه اینگونه سیاست‌ورزی این بوده است که ایران از نظر شاخص‌های عمومی مدیریت نمره خیلی پایینی می‌گیرد و این نمره از طریق یک نسبتی داده می‌شود که نسبت آب برداشت شده نسبت به آب تجدیدپذیر هست. همان‌طور که وزیر محترم نیرو در سال گذشته اعلام کرده است این نسبت که نسبت بحران آب هست در ایران هشتاد درصد، در صورتی که از چهل درصد به بالا آن کشور جزو منطقه قرمز اعلام می‌شود. این نقشه‌ای که شما می‌بینید سازمان در سال ۲۰۰۰ تهیه کرده است ایران جزو مناطق قرمز هست. میزان برداشت از آب تجدیدپذیرش خیلی بالا رفته است.

Fresh water stress

The following map projects how much water will be withdrawn with respect to the amount that is naturally available.¹⁸



8

کشورها را از لحاظ برداشت سرانه آب برای سال ۲۰۰۰ طبقه‌بندی شده است. به دو گروه تقسیم شده است منطقه‌ای که پرمصرف هستند بیش از ۱۰۰۰ متر مکعب آب برداشت می‌کند. ایران در این طبقه در کنار آمریکای شمالی، استرالیا و کشورهای آسیای مرکزی قرار گرفته است. نقطه مقابل آن کشورهایی هستند که زیر ۱۰۰ مترمکعب آب در سال مصرف می‌کنند که عمدتاً کشورهای آفریقایی هستند. یعنی ما نه بخاطر خشکسالی بلکه اصولاً برداشت سرانه بالایی داریم. علتش هم نحوه سیاست‌ورزی آب بوده است.

به گونه‌ای عمل کرده‌ایم که تا آنجایی که می‌توانیم منابعمان را تخلیه کنیم. فاصله بین عرضه و تقاضای آب بصورت یک شکاف رو به افزایش درآمده است. این ماجرا در ایران تازه اتفاق نیافتاده است. حتی ما از چهل، پنجاه سال پیش هم نسبت آب برداشتی نسبت به آب تجدیدپذیر بیشتر از چهل درصد بوده است و الان رسیده به بالای هفتاد درصد و این تدریجاً اتفاق افتاده است. این روند در سالهای گذشته ادامه پیدا کرده است تقاضای افسار گسیخته‌ی در مورد آب فراهم کرده‌ایم که در مصرف آب مطرح می‌شود. به هر قیمتی ولو از قله قاف برای همین است که الان مطرح هست که ما از دریای خزر آب را ببریم به جاهای مختلف کویری ایران و حتی از تاجیکستان آب را وارد بکنیم. یکی از پیامدهای سیاسی موضوع سیاست‌ورزی در زمینه آب این هست که تقاضاها و نیازها مورد توجه قرار

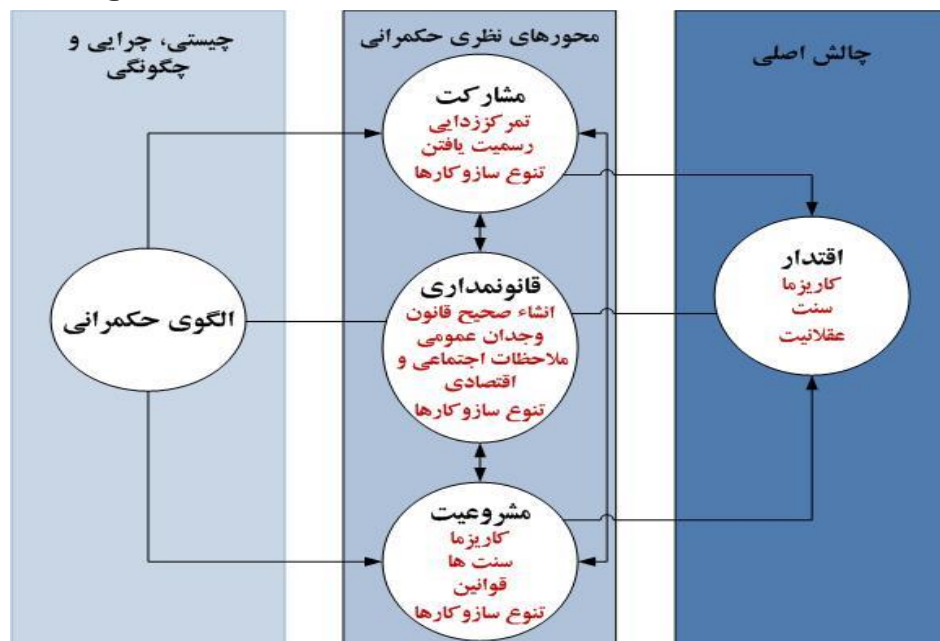
نمی‌گیرد. طرح‌هایی که اجرا می‌شود تطبیق خوبی با نیازها و تقاضاها ندارد چون اصلاً متقاضیان مشارکتی در پی‌ریزی طرح ندارند. طرح‌ها با یک مکانیزیم خیلی تکنیکی و اداری تصمیم‌گیری می‌شود.

نمونه آن را شما در شبکه‌های آبیاری و زه‌کشی می‌بینید. ما برای سدهای مخزنی‌مان لازم است. این شبکه‌ها را داشته باشیم. در بهره‌برداری از آب‌های زیرزمینی نیازی به این تاسیسات نداریم. این شبکه‌ها را با یک الگوی فرضی کشتی (که با الگوی کشتی که در بخش آب اجرا می‌شود خیلی فرق می‌کند) احداث می‌کنیم که طبیعتاً این سیستم ناکارآمد خواهد بود. مردم نیازهای خودشان را جور دیگر تشخیص می‌دهند. طراحان شبکه جور دیگری شبکه طراحی می‌کنند یا حتی ما طرح‌هایی داریم که مطابق با نیازهای جامعه نبود بلکه بصورت یک مکانیزیم دیگری با یک فرض توهمی ایجاد توسعه برای مناطق در نظر گرفتیم تا بعداً برای آن متقاضی پیدا کنیم.

یک جنبه دیگر این نوع سیاست‌ورزی ما این هست که اساساً مدیریت آب مدیریت منفعل هست که بدنبال تقاضای بخش‌های دیگر می‌دود و می‌خواهد تقاضای اینها را تأمین کند و بدون آنکه برای دیدن شدن محدودیت‌های خودش به شکل مناسبی تعامل یا گفت‌وگو شکل بدهد. سازوکارهایی که در نظام حکمرانی آب به کار گرفته می‌شود عمدتاً سازوکارهای اداری و دست و پاگیر هست و سازوکارهایی که شکل حکمرانی را اساساً بهتر می‌کند مثل سازوکارهای اقتصادی و یا شبکه‌های اجتماعی و توافقات و راهکارهای عاقلانه بسیار نحیف و لاغر هست. راه‌حلی که مطرح می‌شود بازسازی ساختار و نظام حکمرانی آب هست که این نظام باید شکاف‌های اصلی خودش را که با بدنه جامعه دارد ترمیم و اصلاح کند.

در این زمینه باید با توجه به شرایط کشور نظریه‌پردازی سیاسی بشود و ما خودمون می‌توانیم نظریه‌های سیاسی متقن خودمان را داشته باشیم تا بتوانیم سایر اقدامات را انجام بدهیم. اگر این را نداشته باشیم ما اگر بخواهیم قانون آب را دوباره بنویسیم با چه جهت‌گیری بنویسیم یا اگر سیاست‌ها را بخواهیم مشخص بکنیم نمی‌توانیم گذشته را به

شیوه صحیحی نقد بکنیم و به طبع آنچه که در محافل بین‌المللی توصیه می‌شود، ترجمه می‌کنیم. این تصویر یکی از چارچوب‌های تحلیلی است که اندیشکده تدبیر آب ایران تلاش کرده است با توجه به شرایط آب کشورمان و شرایط اجتماعی و سیاسی مطرح کند.



بحران اصلی که در اندیشکده بروی آن تمرکز شده است، بحث اقتدار است یعنی اجرای تصمیمات که وابسته به کاریزما، سنت و عقلانیت است که ما باید به نوعی براساس شرایط خودمان در مورد آن تصمیم بگیریم.

اولین محور نظری که باید مورد توجه ما باشد مشارکت است. دومین مسئله قانون مداری است که هم به انشاء صحیح قانون برمی‌گردد هم به فضایی که قانون را قابل اجرا می‌کند که شامل وجدان عمومی و ملاحظات اجتماعی-اقتصادی و تنوع سازمانی است. سومین مسئله، مشروعیت است. مشروعیت به معنای اینکه هر نهادی تبعیت بکند از آن قواعدی که گذاشته می‌شود. وقتی که آن قواعد مورد احترام آن نهاد نباشد مشروعیت دچار شکاف اساسی است. در کشور ما زمانی در گذشته جوامع محلی نسبت به قواعدی که خودش

می گذاشته، حداقل در سطح خودش پایبند بود. الان شرایطی بوجود آمده که اساساً این موارد هم مورد احترام واقع نمی شود و ما در سطح جوامع محلی هم بحران مشروعیت نسبت به حتی سازوکارهای غیر رسمی روبرو هستیم چه برسد به سیستم دستوری و رویه های قضایی.

• آقای سید محمدامین قانعی راد

شیوه طرح مساله و ارائه راه حلی که آقای مهندس اسفندیاری فرمودند شاید یک مقداری آن نگرانی ها را بتواند مرتفع نماید. چون مساله بحران آب را آن طوری که توضیح دادند در واقع گفتند بحران آب اساساً بحران حاکمیت آب است. در مقیاس نهادهای جهانی که در این مورد کار کردند مساله در حاکمیت آب است و راه حل هم در طرح مساله نظام حکمرانی آب مبتنی بر مشارکت و قانونمداری و مشروعیت است. ما باید با همین طرح مساله جلو برویم یعنی مساله آب را یک فرصتی تلقی کنیم برای بازسازی نظام کلی حکمرانی در کشور و فاصله گرفتن از مفهوم دولت مطلقه. چونکه الگوی دولت مدرن بر مبنای دولت مطلقه پایه گذاری شده است. یعنی دولت همه کارها را صرفاً خودش انجام دهد و با بخشنامه و با اقتدار ناشی از ذات خودش و نه اقتداری که ناشی از مشروعیت از طرف جامعه کسب می کند.

این یک مقداری مشکل ایجاد کرد و شاید اقتصاد نفت هم به این قضیه خیلی کمک کرده است. چون چاه های نفت هم در دست دولت بوده و لذا می توانسته بر مبنای آن یک اقتصاد رانتی، یک حاکمیت رانتی، ریاست رانتی که حالا همه چیز را به یک نحوی دچار فساد هم می کند، بکند. حالا از این اقتصاد نفتی به طرف یک نوع اقتصاد آبی ما حرکت کنیم. چون آب بر خلاف نفت شیرش شاید خیلی دست دولت نیست و نمی تواند هرجایی رودخانه ای داشته باشد و چشمه ای باشد ولی در عین حال سیاستگذاری دولت در نحوه کارایی این آب فوق العاده مهم است. آب توزیع شده در کل کشور شرایطی فراهم کند که در واقع این نظام حاکمیت عمومی دموکراتیزه به یک نحو شود.

فقط یک سوالی هم من دارم از آقای مهندس ، این برای خود من ابهام دارد. می‌گویند که مثلاً من ایرانی که هفته‌ای یکبار حمام می‌روم حالا با مشکلات زیادی هم مواجه هستیم و واقعاً برداشت سرانه آب ما بیش از ۱۰۰۰ متر مکعب و از اروپا بیشتر است. اینها یعنی مساله چه هست، ما چکار می‌کنیم و واقعاً چه اتفاقی اینجا دارد می‌افتد. می‌خواهم طرح مساله یک مقدار شفاف‌تر شود. یعنی مثلاً ما خیلی حمام می‌رویم، خیلی ماشین می‌شویم، زمین را می‌شویم، به جای جارو از آب استفاده می‌کنیم، خانم‌های ظرف می‌شویند، یک مقداری زیاد آب مصرف می‌کنند. اگر ممکن است یک پاسخی بدهید.

• آقای انوش نوری اسفندیاری

یک واقعیتی است که وجود دارد. به دلیل اینکه ما در کشور یک چرخه آب مشخص داریم و اضافه برداشت از منابع آب زیرزمینی و مسیرش در سفره‌های آب زیرزمینی مشخص است. آن چیزی که مسلم است سهم آب کشاورزی برای ما خیلی بالاست و تلفات آب ما هم خیلی زیاد است. این موضوع برداشت است نه مصرف. تلفات آبهان در همین برداشت وجود دارد. اگر ما در کشاورزی حدود ۶۵ درصد آب تلف می‌شود تا برسد سر مزرعه این موضوع در برداشت است. اما نمی‌شود همه مسایل را برای تلفات گذاشت. واقعیت هم این است که طبق اظهارات کارشناسان خود وزارت کشاورزی ماده تولید شده در متر مکعب آب ، رقم ۷۰۰ گرم است که نسبت به متوسط جامعه رقم پایینی است.

در صورتی که نحوه اصلی در کشور ما زمین نیست، آب است. مردم ما این را خوب فهمیده بودند و چرا که مناطق فلات مرکزی حساب آب را از زمین جدا کردند و بر اساس آب تصمیم‌گیری کردند و بر اساس آب سنجش می‌کردند ما سنجش زمینی آب را داشتیم که به نوعی سنجش حجمی را هم انجام می‌داد و به دلیل اینکه سطح مقطع سیستم‌های توزیعشان ثابت بود و آب را بر اساس زمان اندازه‌گیری می‌کردند. سیستم‌های جدیدی که مهندسين ما آوردند و گفته حتماً باید اندازه‌گیری حجمی شود و با توجه به شکل مالکیت

زمین در کشور و تیکه پاره بودن آن اساساً یک بهره‌بردار کشاورز اینقدر از جاهای مختلف آب را تحویل می‌گیرد که اندازه‌گیری یک برداشت کار غیرممکنی است. ما باید به گروه‌هایی از مصرف‌کننده‌ها آب را تحویل و اندازه‌گیری کنیم که این مساله هم بعد از ۲۰ سال تحقق پیدا نکرده است. در مرحله دوم یکی از تکالیف همین مساله بود، که اصلاً ما اندازه‌گیری کنیم ببینیم چقدر آب تحویل مصرف‌کننده می‌دهیم. این یک موضوعی است که تقریباً باید از آن تصویر روشنی به دست بیاوریم. فعلاً این مساله به صورت یک سوال مطرح است که ما چرا در گروه بالاتر این برداشت‌ها قرار داریم و سعی کنیم حلش کنیم. من پاسخی را که دادم در دو بخش تلفات و سهم مصارف بود که احتیاج دارد به تفسیر بیشتری، و این مطمئناً به خشکسالی ربطی ندارد.

• آقای قانع‌راد

مصرف آب ما بیشتر است یا برداشت؟

• آقای نوری اسفندیاری

برداشت آب بیشتر است، مصرف یک بخشی از برداشت است که تلفات از آن کم می‌شود.

• آقای قانع‌راد

یک مثال خیلی روشن عرض می‌کنم. جنابعالی خیلی پولدار هستید و بنده پولدار نیستم. جفتمان هم یک صندوقی داریم. خوب منی که پول ندارم می‌روم و از صندوق مجبورم بردارم مثلاً تو جیم پولی نیست، ولی شما که تو جیت پول است، من می‌گویم اروپایی که دائماً دارد نزولات جوی دارد و کشاورزیش هم یک کشاورزی دیمی است، نیازی به برداشت از منابع آب زیرزمینی ندارد. ایرانی که میزان کشاورزی آبیش حدود ۹۰ درصد است و در سال‌های اخیر هم در برخی از قوانین و بعد از انقلاب هم حتی جهاد کشاورزی و هیات‌های هفت نفره تلاششان این بود که زراعت ایران را بخش‌های زیادی از دیمی به آبی تبدیل بکنند و بنابراین آمدند چاه‌های آب زدند و زراعت آبی را گسترش دادند. من می‌خواهم بگویم اقتضانات طبیعت یک طوری به ما برداشت ما از آب را تحمیل کرد.

• آقای نوری اسفندیاری

ولی مشکل ما این است که ما فشار آوردیم به بخش کشاورزی و سعی کردیم معیشت عام را در قالب توسعه کشاورزی حل و فصل کنیم. اشتباه ما در همین جا بود و کشوری که به زعم شما این محدودیت‌های دیمی را (برای توسعه کشاورزی) دارد نباید سعی بکند فشار بیاورد برای تولید اشتغال و معیشت به بخش‌های کشاورزی. طبیعتاً مصرف صنایع و بخش خدمات در زمینه آب می‌تواند با کارایی بهتر و ایجاد اشتغال بهتر باشد.

• آقای قانع‌راد

آقای دکتر مومنی مخالف هستند ایشان می‌فرمایند به بخش کشاورزی ظلم شده است و یا می‌شود و یک نگرانی دارند می‌گویند شاید بشود.

• آقای نوری اسفندیاری

شاید یکی از دردها همین باشد چون ما در فرایند توسعه بخش کشاورزی هم سهمش در تولید ناخالص داخلی کم می‌شود و هم در زمینه تولید اشتغال. اگر بخواهیم این روند را معکوس بکنیم انجام شدنی نیست. حتی در کشوری مثل کشور ما که شرایط اقلیمی خاصی دارد. اگر بخواهیم بخش کشاورزی در فرایند توسعه مشارکت کند باید هم سهمش در تولید ناخالص داخلی کم شود و هم فشاری که به بخش کشاورزی می‌آوریم برای توسعه اقتصادی کمتر باشد.

۰۷. پرسشی و پاسخ

• یکی از حضار

اگر اشتباه نکنم موضوع این نشست پیامدهای سیاسی بحران آب بود، علیرغم حرف‌هایی که اساتید زدند مثلاً در مورد پیامدهای سیاسی بحران آب من چیزی از این حرف‌ها متوجه نشدم. خوشحال می‌شوم در مورد این موضوع صحبت شود. آقای دکتر کریمی اشاره کردند در مورد نقش آفرینی دولت و ملت در مورد بحران آب و گفتند همانطور که دولت در این مورد مسئولیت دارد ملت هم مسئولیت دارد.

به نظرم یکی از وصله‌های اصلی روشنفکر تولید و خلق گفتمان است. ما در مورد این مساله همانطور که آقای دکتر قانع‌راد هم گفتند که بعضی از معضلات محیط زیستی در کشور تبدیل به کنش نمی‌شود و این سوال را مطرح کردند واقعاً باید پرسید چرا این معضلات در عصر ما تبدیل به کنش نمی‌شود. کجای داستان مشکل دارد و چرا گفتمان بومی ما نسبت به این معضلات در حل بحران آب عکس‌العمل آنچور که باید و شاید نشان نمی‌دهد. به نظرم این ضعفی در گفتمان میان دولت و ملت ایران وجود دارد و از طرف دیگر همانطور که آقای دکتر مؤمنی مساله فساد بوروکراتیک در ایران است که باعث تورم بوروکراتیک، ناکارآمدی و تصویب و اجرای طرح‌هایی می‌شود که متضاد با منافع عمومی است.

در اقتصاد رانتی و دولتی یک روی سکه این مساله که منافع در کشور متضاد است و منافع عمومی در خطر است. روی دیگر سکه که اتفاقاً الان نکته مثبتی می‌تواند برایمان باشد همین موضوع احتیاج به یک فضای قانون داشتن برای ادامه کار است. مساله بحران آب باعث می‌شود در بخش‌هایی از کشور ناامنی به وجود بیاید. ما با مساله امنیت مواجه هستیم که دولت ایران شدیداً طرفدار انجام این وظیفه‌اش و یکی از خواسته‌های اصلی‌اش ایجاد امنیت در کشور است. مساله سیستان و بلوچستان همانطور که برای مردم سیستان و بلوچستان مساله است برای دولت ایران هم مساله هست. پس در راستای هر گفتمان که روشنفکر انجام می‌دهد ارتباط صادقانه و صمیمانه با دولت می‌تواند با رویکرد ایجاد امنیت باشد. در کشور ارتباط روشنفکران و دولت محوریت موضوعش ایجاد امنیت باشد. حالا سوال من از همه، چطور می‌شود این گفتمان‌ها را ایجاد کرد؟ وظیفه اصلی آن بر عهده کدام قشر است؟

• یکی از حضار

من فکر می‌کنم که دکتر کریمی مساله را تبیین کردند و دکتر مؤمنی در بحث سیاسی خوب توضیح دادند و آن را ربط دادند. آقای مهندس اسفندیاری هم وضعیت جهانی را گفتند. چند تا نکته به نظر من می‌رسد. آقای دکتر مؤمنی اشاره کردند به بحث سیاست، مشکل مسئولینمان، مسئولیت کار را بپذیرند. همین حالتی که ما الان هستیم در واقع حاصل

اشتباهات مسئولین است. مردم خیلی در آن نقش نداشتند. آقای دکتر قانع‌راد اشاره کردند به بحث بهداشت که مردم کمتر حمام بروند که رابطه مستقیم با سلامت جامعه دارد و مردم اگر کمتر آب بخورند. نهایتاً این هست که می‌خواهند ماشینشان را بشورند می‌روند کارواش. دیگر فضای سبز نیست که کسی بخواد آب بدهد.

باید همانطور که آقای دکتر مؤمنی فرمودند باید مساله را شناخت. فکر می‌کنم که در شناخت مساله باز همان اتفاق انرژی می‌افتد و آخرش قیمت برود بالا چوبش را مردم می‌خورند. برای مثال عرض می‌کنم دیروز شهردار تهران بیان کرد در افق ۱۴۰۰ جمعیت تهران به ۲۲ میلیون خواهد رسید. ما که آب نداریم بخوریم چه طوری می‌خواهیم جمعیتمان ۲۲ میلیون نفر بشود. ما الان این همه مشکل داریم. مجلس دارد همان روال قبلی خودش را می‌رود و دولت دارد روال خودش را می‌رود و شورای شهر دارد روال معمول خودش را می‌رود و خود سازمان آب دارد همانجور مجوزهایش را می‌دهد. برای سوال عرض می‌کنم اگر اندیشکده آب امروز این بحث‌ها را خاتمه بدهد و دنبال نکند کی این بحث‌ها را دنبال می‌کند و اصلاً متولی‌اش که هست و کجا هست. بالاخره یک جاهایی باید حرف جدی بشود این امکان که برای ما وجود دارد کدام امکان است؟ وقتی از رسانه می‌گوییم، بالاخره رسانه کجا مصداق پیدا می‌کند روزنامه، صدا و سیما، فضای مجازی کدام یکی از آنها؟ در مورد نقش دانشگاه‌ها، اگر متفکرین ما اندیشمندان ما حرف‌شان شنیده نشود می‌خواهد حرف مردم شنیده شود؟

من خواهش این هست که این بحث را جدی‌تر کنیم و اجازه دهیم صداها شنیده شود و خیلی هم با احتیاط حرف زدن و خیلی هم در لفافه گفتن دردی را دوا نمی‌کند. الان سیاست‌های افزایش جمعیت با هیچ منطقی سازگار نیست. آن کشاورزه مقصر نیست ولی دارد اشتباه تولید می‌کند. دارد خیار تولید می‌کند خربرزه تولید می‌کند کیلو ۷۰۰۰ تومان در می‌آید کیلویی ۲۵۰ تا یک تومانی می‌دهد. اینجوری می‌شود. بحث سفره‌های زیرزمینی که ما بگوییم برداشت را کم کنیم. از کجا معلوم ما برداشت می‌کنیم. مگر زیر زمین با همه دنیا مشترک نیست. شاید دارد از جای دیگر برداشت می‌شود ما هم سفره‌مان دارد می‌رود

پایین ولی ما فکر می کنیم ما داریم برداشت می کنیم کجا اینها یعنی دقیق هستند. همه جای دیگر هم دارند آب برداشت می کنند مثل نفت می ماند. همه دارند تلاش می کنند که از این ذخایر بیشتر استفاده نمایند.

به بحث سیاست‌ها اشاره فرمودند. الان ترکیه نشسته برای ما دارد نقشه می کشد و آب در برابر نفت. کی می خواهیم در مقابل این دنیا جدی شویم. دنیای بی رحمی است وقتی ناسا پیش بینی کرده ما ۳۰ سال خشکسالی داریم آنها نشستند دارند بال بال زدن ما را نگاه می کنند. ما همه چیزهایمان همین طوری عادی است انگار نه انگار که الان در بحرانییم. بالاخره وقتی دعوا می شود زنگ می زند پلیس ۱۱۰ می آید و الان اگر ما در بحرانییم پس چرا هیچ تصمیمی نمی گیریم که خارق‌العاده باشد و فوق‌العاده باشد. همه‌شان معمولی است من فکر می کنم این صورت مساله با این اقدامات اصلاً تناسب ندارد. می گویم اگر اندیشکده آب هم پا پیش نمی گذاشت این کار را نمی کرد نمی دانم کی می خواست این کار را بکند.

• آقای قانع‌راد

من در تایید فرمایش شما یک مقاله‌ای را که اخیراً خوانده‌ام عرض بکنم در مورد جمعیت آنجا ذکر شده بود که اقتصاد ایران بدون نفت فقط ظرفیت تکاپوی نیازهای ۷ میلیون نفر را دارد. تمام این جمعیتی که هست الحمدلله از برکت نفت هست. یعنی اگر یک روزی نفت نباشد این کشور به هیچ وجه پاسخگوی نخواهد بود که بتواند جمعیت عظیم را پاسخ دهد.

• آقای محبی

من متوجه شدم که ما سال‌هاست در بحرانییم. حالا غیر از این قضیه من از جناب آقای اسفندیاری تقاضا می کنم من این روزها که بحران آب شدت بیشتر شده در اطلاع‌رسانی، می توانند که در دشت‌های تهران سالی بین ۳۰ سانتی‌متر تا ۳۳ سانتی‌متر نشست زمین داریم یعنی برای سه سال یک متر. من خواهش می کنم توضیح دهید عوارضی را که این قضیه

خواهد داشت. یعنی اگر فرض کنید این قضیه ادامه پیدا نکند و برای شش سال به چه عددی می‌رسیم و این عوارضش چه هست؟

• آقای زواره

من عرایضم را در سه بخش تقسیم می‌کنم. موردی که آقای دکتر قانع‌راد فرمودند خشونت، حاکم بر مناطق مرکزی و کم آب ایران هست. من این خشونت را ندیدم که اصفهانمان، یزدمان و اینها همه در کویر مرکزی هست. حتی مرکز ایران را هم مغول‌ها درگیر نشدند، اگر منظور تان مغول‌ها بود. ولی اینها با سیاستشان حتی مغول‌ها را هم آمدند در شهر و دیارشان و جلوگیری کردند وارد شوند. بحث دوم عرایض بنده مرتبط با صحبت آقای مهندس مومنی می‌باشد. اگر بنده بخواهم از دیدگاه حاکمیتی و از دیدگاه وزارت نیرو به مسایل نگاه کنم؟ بله همه چیز را ما در این سال‌ها سر مصرف‌کننده شکاندیم. ما سال‌هاست داریم تاوان سیاست‌های اشتباه خودمان را می‌دهیم. کم‌کاری‌هایمان را داریم از مصرف‌کننده می‌گیریم و یادم هست که یک روزی بحثی درست شده بود و دوستان بودند حتی از وزارت نیرو بزرگانی بودند تأکید داشتند که بگیرید، ببندید، چاه پُر کنید و قیمت را ببرید بالا. آقا این چاه پُر کردن و قیمت را بردن بالا بخشی از قضیه است.

ما اول بیاییم اولویت‌بندی کنیم. در دشتی که من هنوز دارم تخصیص می‌دهم و من دارم مجوز حفر چاه می‌دهم چطور توقع داریم که برویم و چاه یکی دیگر را ببندیم. آن هم ضعیف‌ترین و بدبخت‌ترین اقشار اجتماع. من رفتم و مسایل را دیدم و حتی از حفاظت بیرون آمدم بخاطر این مساله. لذا ما اینجا مصرف‌کننده را داریم می‌بینیم. پدر خدایا مرزمان می‌گفت نفست از جای گرم در می‌آید با ۵ میلیون تومان حقوق، ۶ میلیون تومان حقوق معیشتش در خطر. در یکی از استان‌های محروم یک کشاورز به من می‌گفت آقای مهندس بچه من را ببر آبدارچی اداره‌تان شود و با ۱۵۰ هزار تومان حقوق من حاضرم چاه غیرمجازم را با دست خودم پُر کنم. بعد بحث قیمت آب که شده بود دوستان می‌گفتند قیمت را بالا ببرید. قیمت بخشی از قضیه است ما کی فرهنگ‌سازی کردیم. الان خواهرزاده بنده تا برق روشن می‌ماند می‌رود خاموش می‌کند می‌گوید لامپ اضافه

خاموش. ما کجا در وزارت نیرو در بخش آب بابا برقی درست کردیم بابای آب درست کردیم.

اول فرهنگ را بسازیم. نمادسازی بکنیم. بعد برویم به سمت اینکه حالا یک بخش بزرگ اشتباهاتمان را بگذاریم در اختیار تا جبران کنیم. فرض کنید یک روزی همه توانمان شده بود طرح توسعه. الان آقای مهندس اسفندیاری فرمودند در چارت جدید طرح توسعه را بحث کردیم و دیدگاهمان شد، دیدگاه حفاظتی. یک روزی در هامون آمدیم آب را توزیع کنیم بین همه نکردیم، آمدیم طرح توسعه را حذف کردیم. دیدگاه مدیریت یکپارچه گذاشتیم. کدامها عوض شدند. همانی که آنجا سیاستگذار طرح توسعه بود الان در همانجا نشسته در کرسی توزیع برنامه‌ریزی آب قرار گرفته است.

ما باید رویکردهایمان را متفاوت کنیم، اگر جایگاه من زواره را تغییر دهیم، روی این صندلی یا روی آن صندلی، دیدگاه من تغییر نکرد. شما می‌خواهید بازخورد چه چیزی باشد. خروجی همان زواره است، لذا من با آقای دکتر مومنی موافقم و باید مساله آب را چند بُعدی ببینم که همه کاسه کوزه‌های مدیریت‌های اشتباه خودمان را بر سر یک حوزه نشکنیم که نتیجه اش یک مصوبه‌ای به مجلس شود. اینقدر خشک برخورد کردیم اینقدر غیرانعطاف پذیر برخورد کردیم اینقدر سخت‌افزاریش کردیم که به اینجا رسیدیم. آقای دکتر قانع‌ی راد همه کارمان سخت‌افزاری بود. حداقل ۱۰ سال هست که وزارت نیرو را رصد می‌کنم مدیریت ما یک جور مدیریت هست آن همه مدیریت عرضه آب بود. نیامدیم مدیریت تقاضای آب کنیم. یک دفتر تخصیص بود با تمام طحماتی که داشتیم می‌گفتند آقا ما یک لیوان آب داریم حالا می‌خواهیم تقسیم بکنیم این شد مدیریت آب. آقای مهندس اسفندیاری با دو تا شاخص وضعیت بحران آب را نشان دادند و سریع رفتند سر اصل مطلب یکی این بود. بحث سوم هم این بود.

مقاله‌ای هم نوشتم و روابط عمومی شرکت مدیریت هم آن را چاپ کرد. ما در خود وزارت نیرو دچار برای حکمرانی آب سه تا مشکل بودیم. یکی اهداف راهبردی بود. آقای مهندس اسفندیاری اهداف راهبردی چی بوده؟ در برنامه چهارم گفتیم ۲۵ درصد

کسری مخازن را کم کنیم، این از کجا آمده؟ چه اتفاقی افتاد الان در برنامه جدید راهبردهای ما چه هست؟ ما اهداف راهبردی نداشتیم و الان هم نداریم. دوم بحث نیروی انسانی بود که تو همین شرکت مدیریت منابع آب خودمان، ۵۸ نفر نیرو داشتیم که اصلاً در قالب چارت سازمانی نمی‌گنجیدند و اینها کجا هستند. خود بنده می‌رفتم تو وزارت نیرو می‌گفتند ما اصلاً شما را نمی‌شناسم در حالی که ۹ سال در این شرکت کار کردم. برای افرادی که بازنشسته شدند رفتند چه جانشین‌هایی داشتیم؟ چه کسی را جایگزینشان کردند؟ کنار همدیگر نیروی انسانی را نساختم. یکی دیگر نبود بانک‌های اطلاعاتی و بسترهای دیجیتالی هست، ما همین الان اگر بخواهیم آمار مربوط به آب را بگیریم باید برویم در دفتر مطالعات، یک آقای نشسته با یک کامپیوتر، الان شما چند تا سوال از مهندس اسفندیاری پرسیدید نتوانستند جواب بدهند بنابراین نبود بانک‌های اطلاعاتی مدیریت یکپارچه ما را تحت‌الاشعاع قرار داده است.

• آقای حبوطن

یکی از دوستان فرمودند که بحث بیشتر عنوان تاثیرات، بحران آب در سیاست و اجتماع و غیره ولی جلسه برعکس هست چون تاثیرات بحران آب بر سیاست و اجتماع یک چیزی است که از هر کسی پرسید تا حدودی متوجه می‌شود و به راحتی می‌تواند تبیین بکند، این بحث سیاست بر آب هست یعنی نظام سیاست و اجتماع تاثیرش بر مدیریت آب چه جوری است. این باید تحقیق بشود که در این صورت جلسه درست پیش رفته است. در همین راستا به نظر من به عنوان کسی که ۱۵ سال در بخش آب سیاست‌گذاری مشغول بوده است ما باید بحث را عوض کنیم. کارهایی شده و دارد انجام می‌شود و این نظریه‌پردازی و نظریه‌سازی در این زمینه باید بشود و به آنها نیاز داریم. کارگاهی بود تحت عنوان مدیریت اجتماعی منابع آب در دولت. این مفاهیم باید ایجاد شود و مفاهیم باید ساخته شود و نظریه‌هایی باید ساخته شود و که قشنگ تحقیق بکند سیاست چگونه تاثیر می‌گذارد بر روی آب، و چه جوری گذاشته و مشخص است.

بعضی از دوستان اشاره کردند و اجتماع چگونه تاثیر می‌گذارد روی آب. من سه تا مفهوم نظری را اینجا توضیح می‌دهم. یکی بحث مدیریت کوتاه‌مدت. دوستان همه می‌دانند که بزرگترین مساله‌ای که در جامعه ایران هست بحث افق کوتاه مدت جامعه است. یعنی ما در این کشور هیچ وقت افق بلند مدت نداریم. یعنی نماینده مجلس فقط چهار سال هست و دولت فقط چهار سال هست همین دیدگاه باعث می‌شود که قانونی تصویب شود که به مجرم حق استفاده از آن چاه غیرمجاز را می‌دهد. مثل این می‌ماند که ما یک سری فقیر داریم در جامعه قانونی تصویب کنیم که از دیوار مردم بپرند و هر کاری که دلشان می‌خواهد بکنند. چرا چون جامعه کوتاه‌مدت است و مدیریت کوتاه مدت است و نماینده مجلسی را می‌شناسم در وزارت نیرو که به کارشناس می‌گوید سُد فلان را مجوزش را بده وقتی عمیق می‌شوند نسبت به این انگیزه متوجه می‌شوند که این می‌تواند برای جلب آرای مردم باشد و این فرد به دنبال توسعه منطقه نیست بنابراین یک مفهوم هست جامعه کوتاه‌مدت، مدیریت کوتاه‌مدت جامعه‌مان کوتاه‌مدت هست، سیاست‌هایمان کوتاه مدت هست پس برنامه‌ریزی‌هایمان برای آب کوتاه مدت هست و نتیجه‌اش این هست که می‌بینید.

بحث و مفهوم بعدی سرمایه اجتماعی آب هست. حلقه گمشده توسعه در کشور سرمایه اجتماعی قلمداد می‌شود این سرمایه اجتماعی است که باعث می‌شود ما نتوانیم مشارکت مردم را جمع بکنیم. این دیوار بی‌اعتمادی دولت به مردم و دیوار بی‌اعتمادی مردم به مردم به قدری بالا رفته است که سرمایه اجتماعی تخریب شده است و مردم در دو راهی‌های اجتماعی منافع آنی و فردی را بر منافع جمعی ترجیح می‌دهند. بحث آخر مفهوم نظری خرج منافع آب برای تبیین مشروعیت است. یعنی دولتی می‌آید سر کار که یک مقدار احساس می‌کند مشروعیتش ضعیف است و قوانینی را تصویب می‌کند، تصمیماتی را می‌گیرد که مردم به راحتی از این منابع طبیعی استفاده بکنند و مصداقش قانون تعیین و تکلیف چاه‌های غیر مجاز است. بگذارید مردم از آنها استفاده بکنند بگذارید مردم هر کاری دلشان می‌خواهد بکنند چون اگر این کار را نکنند مشروعیت‌شان زیر سوال می‌رود.

از منابع طبیعی آبی کشور برای ترمیم مشروعیت استفاده می کنند. یک مصداق غیر آبی بزنم، وقتی دولت آقای روحانی آمد قانون کاهش ساعت اداری را به سرعت لغو کردند. یعنی دولت قبلی در این چند سال در این ۸ سال گفته بود که ساعت کاری شود ۲ نیاز داشت. احساس می کرد که مشروعیتش کمتر هست، ولی دولت بعدی آمد فکر کرد مشروعیتش بالاست قانون را به راحتی لغو کرد، بعد از این الگو می گیرند و سرایت می کند به بخش های مدیریت آب کشور همین اتفاق دارد می افتد و افتاده است.

• خانم منصوری

با توجه صحبت های ایشان من فکر می کنم ما بحران آب نداریم. ما بحران مدیریت آب داریم. ما دو تا منبع و یا سه تا منبع بزرگ در مملکت داریم. دریای خزر را داریم، خلیج فارس را داریم و دریای عمان را داریم. ما قبل از انقلاب بزرگترین طرح های شیرین سازی آب را داشتیم و به همان نسبت هم داشتیم آنها را افزایش می دادیم. بعد از انقلاب این طرح ها متوقف شد. یعنی وزارت نیرو اعلام کرد که ما می توانیم انتقال آب بین حوزه های داشته باشیم. بعدها در زمان آقای دکتر عباسپور، طرح دومی که ما در بوشهر سفارش داده بودیم متوقف کردند. از ۱۰ سال پیش وزارت نیرو دید برای خطوط انتقال آبی ندارد و مجدداً به مقوله شیرین سازی آب های شور توجه نمود.

شما ببینید کشورهای حاشیه خلیج فارس آبشان را از این سیستم ها تامین می کنند امارات ۷۵ درصد آبش را از شیرین سازی آب دریا تامین می کند. خود عربستان بالغ بر ۳۵ درصد آبش از این شیرین سازی تامین می کند. ما آب داریم فقط باید پول داشته باشیم و بتوانیم این آب را استحصال بکنیم. در واقع این مدیریت هست که این وسط نداریم. اما بحثی که مطرح شد طی ۷، ۸ سال اخیر تو وزارت نیرو مطرح شده، خرید تضمینی آب هست که در دو سال گذشته بحث خرید تضمینی پس آب هم به آن اضافه شده است. متأسفانه در عرض چند سال گذشته این رقم های خرید به شدت افزایش پیدا کرده است و چون الان از خرید تضمینی این پول پرداخت می شود مردم پولی پرداخت نمی کنند. یعنی الان دارد بابت هر متر مکعب آب ۳۰۰۰ تومان پرداخت می شود اگر خرید تضمینی آنقدر سوبسیدش

برداشته شود و از جیب مردم بخواهد پرداخت شود رقم خیلی کلانی می‌شود. یعنی نیاز هست خود دولت یک بازننگری روی این امر خصوصی‌سازی انجام دهد یعنی بدون توجه به ساختارهای مورد نیاز، در قالب خصوصی‌سازی آمده و در واقع تامین و تصفیه آب را به دست بخش خصوصی داده می‌شود.

• آقای قانعی‌راد

من یک سوال دارم شما گفتید ما آب داریم پول نداریم استحصال کنیم؟

• خانم منصوری

ما خلیج فارس را داریم، دریای خزر را داریم و دریای عمان را داریم در واقع سیستم‌های آب شیرین کن هستش...

• آقای قانعی‌راد

خوب عربستان هم اقیانوس هند را دارد

• خانم منصوری

دارد تصفیه می‌کند و مشکل کم آبی به آن صورت ندارد. در واقع آن محدوده که به شدت از کمبود آب رنج می‌برد و در عرض این ۳۵ سال گذشته هم رنج برده می‌توانست از این طریق آباد شده باشد. اصلاً، همان طرح‌هایی که ما کمبود آب داشتیم و بخاطر اینکه احساس کردیم نمی‌توانیم آب توسعه دهیم طرح‌ها را متوقف کردیم و دوباره الان شروع شده است.

• آقای قانعی‌راد

یعنی شما نگرانی ندارید بابت کاهش سطح آب‌های زیرزمینی؟ می‌گویید ما آب داریم دیگر برویم برداریم چون دریا آب زیاد است.

• خانم منصوری

در دریا آب هست. مدیریت دشت‌هایمان را هم همزمان باید داشته باشیم. ما انتقال آب بین حوزه‌ای را را محدود کردیم. کاری بوده که قبلاً انجام می‌شده. اگر هر حوزه‌ای مخصوص خودش آب داشت و همانجا استفاده می‌شد این اتفاق نمی‌افتاد. اتفاقی که الان

افتاده چه هست، ما آمدم آب خوزستان را برمی داریم می آوریم قم و استفاده کنیم و می خواهیم خوزستان هم به مشکل نخورد.

• آقای قانع‌راد

این اشکال دارد. برداشتن آب دریای خزر در فلات مرکزی استفاده کردن چطور؟ یا خلیج فارس را آوردن در اصفهان چطور؟

• خانم منصوری

آب خلیج فارس اگر در منطقه خودش استفاده می شد. چون این طرح‌ها باید سنجیده باشد. چون خطوط انتقالش در واقع هزینه‌اش بالا هست. شما وقتی می خواهید آب را انتقال دهید ۱۷۵۰ متر هست و اگر افت در طول خط انتقال هم در نظر بگیریم ۲۰۰۰ متر هست. پمپاژش در واقع گران هست ولی الان دیگر مجبور هستیم این کار را کنیم. الان که ما کلی زمین کشاورزی در منطقه کرمان داریم و باغداران پسته دچار مشکل شده‌اند و صنعت مان دچار مشکل است. باید این هزینه‌ها را هم پرداخت کنیم. الان داریم همین کار را می کنیم و وزارت نیرو تصمیم گرفته که از خلیج فارس آب را انتقال بدهد.

• آقای قانع‌راد

خوب معلوم نیست این راه حل درستی باشد خیلی باید روی این قضیه فکر کرد که آیا ما به دریاها متوسل بشویم؟

• یکی از حضار

وقتی که شما به خاطر نگاه منطقه‌ای و جناحی و شهرستانی، عده‌ای از نمایندگان مجلس در طول ۳۵ سال یک طرحی را مانند فولادسازی که آب خیلی بالایی مصرف می کرده و قرار بود تا در محل‌هایی که کنار آب باشد مانند استان هرمزگان قرار بود احداث شود، این را بر می دارند می آورند شهرستان خودشان. مثل اتفاقی که برای فولاد مبارکه اصفهان افتاد. این مؤکد فرمایشات دقیق و متینی است که سرکار خانم فرمودند و به قول معروف سنگی را می اندازند ته چاه حالا باید بیایم بنیم می شود اصلاً از ته چاه آن را در آورد یا نه. ما

مایکل پورتر را داریم که بالاخره استراتژیست خوبی هست و ما نمی‌توانیم به سادگی بگوییم این آدم حرف اشتباهی می‌زند یا مثلاً نمی‌فهمد چه می‌گوید. ایشان هم قبل از انقلاب ایران تشریف آوردند و هم بعد که یک و دو سال اخیر و به دعوت مجمع تشخیص مصلحت بوده است و همان توصیه قبل از انقلاب را کردند و گفتند که در استراتژی توسعه ایران کشاورزی مقدم است بر صنعت.

من این را می‌خواهم ربط بدهم به فرمایشات آقای مهندس اسفندیاری که استنتاجاتی که آخر فرمایشاتشان کردند این بود که کشاورزی را رها کنیم. نه، اصلاً به نظر من این حرف، حرف دقیق و همه‌جانبه‌ای نیست. من استناد می‌کنم به فرمایش خود حضرتعالی وقتی که ما در کشاورزی عمده درصد از برداشت، مصرف نیست و تلفات هست. چطور می‌توانیم راحت استنتاج کنیم که اصلاً ما کشاورزی نمی‌خواهیم. بر می‌گردیم به فرمایش سرکار خانم، ما بحران مدیریت منابع آب داریم نه بحران آب. نگاه کنیم به کشورهای که آبشان کمتر از ماست. چطور آنها بحران آب ندارند. خواهش من این است که از این صورت مساله‌هایی که مطرح می‌شود یک استنتاج اشتباهی نشود که اصلاً غلط اندر غلط شود و بگوییم اصلاً کشاورزی هم نمی‌خواهیم. این هم که وضعیت صنعت هست. من نمی‌دانم پس این مملکت از چی می‌خواهد نان در بیاورد و از چی می‌خواهد توسعه پیدا بکند.

• آقای حجتی

اینکه آب در مملکت نود درصدش در حوزه کشاورزی مصرف می‌شود نصف آن تلفات است و منتها میزان تولیدش و بهره‌وری‌اش هنوز ۷۰۰ هست. تلفاتش را هم به حساب آوریم، این میشود ۱/۵ کیلو یعنی شما یک متر مکعب آب خرج می‌کنید و ۱،۵ کیلو در این مجموعه می‌توانید محصول بگیرید. در این سیستم به نظرم می‌آید کسی خیلی به قیمت آب اهمیتی نمی‌دهد. قیمت آب در ایران چند در می‌آید؟ در تهران چقدر در می‌آید؟ اصلاً اینقدر در آن فساد است که وحشتناک، با همان فساد چند در می‌آید دو برابر، سه برابر هست، قیمت‌هایش چرا این طوری است. شما در طرحی مثلاً فرض کنید خزر، وقتی

می خواهید بیاورید در سمنان قیمت آب در می آید ۱۰ هزار تومان، ۵۰۰۰ تومان آن برای فساد هست و ۵۰۰۰ تومان بقیه را می خواهد چکار کند. خیار بکاریم. برنج یا سیب بکاریم. هنوز کشاورزی مساله اساسی هست، واقعاً مساله اساسی هست من حرف های آقای دکتر را می پذیرم که بایستی این سوالات را خوب طرح کنیم. اما صورت مساله در یک بخش هایی واقعاً روشن هست. شاید یک وقت هایی داریم صورت مساله را این جوری مخدوش می کنیم. آب شیرین کن که خانم منصوری می گویند می تواند بگویند این آب چقدر در می آید برای کشاورزی؟ برای جایی که کنار خلیج فارس هست، ۴۰۰۰ تومان، ۵۰۰۰ تومان، این آب بیاید در اصفهان چقدر در می آید ۲۰۰۰۰ تومان، کشاورز اصفهانی چی بکارد؟ فکر کنم سکه طلا می خواهد بکارد یک همچین چیزی در بیاید. آب یک مساله اساسی و کلیدی هست. می شود گفت اینها که این مساله را طرح می کنند خیلی آدم های بدی هستند. من آدم بدی هستم، اما آن مساله که بد نیست. ما معضلاتمان در این زمینه هست، ۹۰ درصد آب را داریم در کشاورزی مصرف می کنیم. بهره وری آب در کشاورزی ما پایین است. نصف دنیا است. ما دو برابرش می کنیم با این آب حالا دو برابر مواد غذایی تولید می کنیم. آیا باز هم با صرفه است؟ وقتی فاصله میان قیمت و حجم تولید محصولات کشاورزی و قیمت واقعی آب ۱۰۰ برابر هست، ۵۰ برابر هست بله باید برویم کیفیتمان را هم درست بکنیم و می پذیرند ما هم مساله امنیت آب را داریم اما شاید خیلی جا داشته باشد، خیلی از جاها سیاست هایمان را انجام می دهیم به خاطر امنیت آب. آب را به دست مردم می رسانیم زیرا امنیت غذایی خیلی برایمان مهم است، پول نداریم اینها را به هدف تبدیل کنیم فکر می کنم نتوانیم در موردش تصمیم بگیریم.

• آقای کریمی مله

اگر من بخواهم یک نتیجه ای از مجموع تبادل نظرهایی که اینجا شد بگیرم این هست که ما خیلی به گفتگو در مورد آب نیاز داریم بیش از آن چیزی که یک جلسه، دو جلسه، یک ماه یا دو ماه. ولی به هر حال ما به این بحث ها نیاز داریم. من در چند دقیقه ای که به من فرصت داده شده است متمایل هستم که به اولین پرسش و یا نقدی که خود آقای دکتر

قانعی راد راجع به جنبش اجتماعی آب وارد کردند یک اشاره‌ای داشته باشم. همانطوری که فرمودید بالاخره آب در سایر فرهنگ‌ها و آموزه‌ها هم اهمیت خیلی اساسی و بنیادی داشته است. ولی من عرضم این بود با توجه به این شکل و جایگاهی که آب در مضامین دینی و مذهبی و فرهنگی ما دارد ما می‌توانیم این را تبدیل کنیم به یک سازه ذهنی که بتواند در جامعه مدنی به ما کمک بکند که ما با این مسأله به درستی مواجه بشویم.

اما اگر واقعاً بخواهیم جنبش اجتماعی و پایه‌ای در مملکت رقم بخورد ممکن است بعضی از ملاحظات دیگر هم با آن ادغام شود و این کاملاً درست است. زیرا ما یک جامعه چند شکافی هستیم. شکاف‌های قومی، مذهبی، دینی و فرهنگی و ایدئولوژیک و با نابرابری طبقاتی و امثال اینها. خوب طبیعی است که شکل‌گیری یک چنین جنبشی مستلزم رعایت ظرافت‌های خیلی ویژه‌ای است هم از ناحیه کنشگران و هم از ناحیه کسانی که می‌خواهند مدیریت بکنند. در هر حال مستلزم ظرافت‌های خیلی ویژه‌ای است. اما باید توجه داشته باشیم که از ترس اینکه این جنبش ممکن است با برخی از ملاحظات درگیر شود و ادغام شود اساساً اصل وجودی چنین جنبشی را انکار کنیم و یا با آن محتاطانه برخورد نکنیم. اصلاً دست ما نیست. فضای جهانی که جنبش‌های اجتماعی زیست محیطی شکل گرفته است، اگر چه بسترهای اجتماعی شاهد است اما خیلی از جوامع در این فرایند یادگیری اجتماعی و یادگیری سیاسی می‌آموزند و یادمان نرفته که انقلاب‌های عربی به راحتی توانسته‌اند از همین ظرفیت‌هایی که در بستر جامعه شبکه‌ای در دنیا به وجود آمده استفاده بکنند و در واقع یک کنشی را رقم بزنند که نتایج قابل توجه‌ای را هم به دنبال داشته باشد.

بنابراین ممکن است یک جنبش اجتماعی که شکل بگیرد خیلی Free rider ها به آن ملحق شوند. اما آن کسانی که آسیب‌دیده فقر هستند و آسیب‌دیده گرسنگی هستند و اینها ممکن هست به این جنبش ملحق شوند و قومیت‌های مذهبی ممکن است به این جنبش ملحق شوند، بنا به برخی دلایلی که دارند. اما واقعاً آیا راه‌گزینی این است که ما در واقع آگاهی‌بخشی به این جنبش را بگوییم که نباید؟ نه، به هر حال ما چه بخواهیم و چه نخواهیم اینها، همین جلسات علایم اولیه و نشانگرهای ابتدایی است که بالاخره یک نوع

خودآگاهی دارد به وجود می‌آید و در این مرحله متوقف نمی‌ماند. ممکن است مراحل بعدیش تبدیل شود به کنش، و ضمن اینکه ما توجه داشته باشیم ماهیت اصلی جنبش‌های جدید اجتماعی در گام اول این است که آگاهی بخشی کنند و در نهایت بخواهند رهایی بخشی بکنند. در این گام‌های اولیه فکر می‌کنم که باید، دوستی گفتند چه کسی باید این گفتمان‌سازی را انجام دهند.

به هر حال، کسانی که صاحب ایده هستند، صاحب فکر هستند و صاحب رسانه هستند و ابزارهایی برای خلق این ذهنیت دارند و می‌توانند کمک بکنند و گفتمان جدیدی را خلق بکنند و این وظیفه را عهده‌دار شوند. همین جا مایل هستم به نکته‌ای هم اشاره بکنم، در واقع در پاسخ به سؤالی که پرسیده‌اند که با توجه به اینکه بلافاصله جنبش‌های اجتماعی که گاهی به صورت خودجوش شکل گرفته، با برخوردهای امنیتی مواجه شده، آیا همچنان معتقد به مطرح شدن جنبش‌های اجتماعی در زمینه آب هستید؟ بینید دوستان سوالی که معمولاً به ذهن متقارن می‌شود این است که آیا جایگزین دیگری هم وجود دارد؟ یعنی آیا باید به همین وضعیت ادامه داد تا چه مدیریت در بحران آب و چه مدیریت منابع آب دچار وضعیت بحرانی شده است. بالاخره باید کاری کرد؟ من فکر می‌کنم که همه این مضیقه‌ها و تنگناها ما را وادار دارد که از اشاره آگاهی در زمینه مسایل زیست محیطی پرهیز بکنیم.

هر جنبش اجتماعی هزینه‌هایی هم دارد و بالاخره کسانی که پیش‌تازان این جنبش آگاهی هستند باید ضمن اینکه سعی بکنند با کمترین هزینه‌ها پیش ببرند اما در عین حال باید خودشان را برای پذیرش برخی از هزینه‌ها آماده بکنند. منتها چون بحث بحران آب و یا مدیریت منابع آبی با بحث بقا و حیات کل جامعه گره خورده، من فکر می‌کنم آن حساسیت‌هایی که نسبت به برخی دیگر از موضوعات وجود دارد در اینجا کمتر وجود خواهد داشت و البته کنشگران اجتماعی و یا سیاسی هم مسئولیت دارند که به گونه‌ای کنش بکنند که در آن افق دراز مدت بتوانند به اهداف خودشان برسند و بنابراین آنها هم چه بسا انتظار می‌رود که یک مقدار متعادل‌تر و ملایم‌تر و نرم‌تر به این جنبش‌های اعتراض متوسل شوند.

من یادم هست در زمانی که خودم مسئولیت سیاسی و امنیتی در استان داشتم جماعتی جمع شده بودند و خواستند برای پاسداری از طبیعت سبز از گیلان تا گرگان درختی را به صورت نمادین تشییع جنازه بکنند ولی فقط این درخت از میدان شهر انزلی تا خیابانی که به سمت مازندران می‌رود تشییع جنازه شد دیگر آنجا دستور توقف دادند و دیگر به استان ما و به استان گلستان هم نرسید. این نشان می‌دهد به هر حال ظرفیت‌های جنبش‌پذیری و انتقادپذیری برای جامعه ما تا چه اندازه‌ای ضعیف است ولی به هر حال هیچ راه بدیلی برایش متصور نیستیم. دوستی دیگر هم فرمودند که تاثیر سیاسی و لابی‌ها و امثال اینها چگونه است؟ من در یک کلیتی عرض کردم که به هر حال ما با اصول عقلایی بحرانی مطلوب که مبتنی بر تصمیم‌گیری‌های نهایی غیرشخصی هست در جامعه خودمان فاصله خیلی زیادی داریم. بحران ناکارآمدی و بدکارکردی از همین خصیصه نشأت می‌گیرد. در همان استان مازندران که ما هستیم یک سدی ساختیم، وزارت نیرویی‌های حاضر در اینجا باید به خاطر داشته‌باشند که اصلاً آبی پشت آن وجود ندارد و در آن سال‌های دهه ۳۷۰ میلیارد و اندی برای آن پول هزینه شده و الان به اندازه چند تا سطل آب نیست که چندتا اردک آنجا شنا بکند.

این نشان می‌دهد که نظام تصمیم‌گیری سدسازی ما یا امثال اینها بالاخره یک نظام مبتنی بر لابی‌گری است. اگر بنا است که ما از این عوارض که مواردش خیلی زیاد هست فاصله بگیریم راهش این هست که ما بتوانیم حکومت دموکراتیک را که از پایین به بالا هست و نظام‌مند است و غیرشخصی هست و نهادینه است و عقلایی تصمیم می‌گیرد، مبتنی بر اجماع استراتژیک هست، در جامعه‌مان بیشتر به آن بها بدهیم و از پوپولیسم و عوام‌زدگی در تصمیم‌گیری‌هایمان به شدت پرهیز کنیم. فرقی نمی‌کند کدام دولت ولی هر کدام از آنها به نحوی از انحاء در واقع اسیر این عوام‌زدگی‌ها در سیاست‌هایشان شدند. اگر ما بتوانیم در واقع به این سمت دموکراتیزه کردن جامعه حرکت کنیم، دموکراتیزه کردن فرایند تصمیم‌گیری و عقلایی کردن می‌تواند ما را از ابتلا به تشدید این بحران‌ها کمک کند. اگر می‌گوییم که چرا مسئولین، مسئولیت را نمی‌پذیرند یا چرا جامعه مسئولیت

نمی‌پذیرد من فکر می‌کنم بخشی از آنها بخاطر این است که ما با اصول و استانداردهای عقلایی تصمیم‌گیری و حکمرانی فاصله قابل توجه‌ای داریم و به عنوان آخرین جمله، دوستانی فرمودند که در واقع ما بیاییم در آب یک Water Gaverance را ایجاد کنیم. همه دوستان بهتر از من می‌دانند که واقعاً نگاه حکمرانی را نمی‌شود جزیره‌ای هدایت کرد و ما می‌گوییم در حوزه آب می‌توانیم Water Gavernance را ایجاد کنیم و در حوزه سیاست نباشد و یا در حوزه اجتماع نباشد. بالاخره نگاه سیستمی که مورد اشاره قرار گرفت معطوف هست به تامین توسعه پایدار و متواضع و همه‌جانبه و با نگاه استراتژیک و مستلزم این هست که ما از نگاه جزیره‌ای و بخشی فاصله قابل توجه‌ای بگیریم.

• آقای نوری اسفندیاری

من خیلی خوشحالم از این که دیدگاه‌های مختلفی در جلسه وجود دارد و تنوع دیدگاه‌ها نوید خیلی خوبی می‌دهد. ما مسئولین دولتی را هم داشتیم طبیعتاً بهتر بود. نمی‌خواهیم این گفتگو فقط در یک حوزه و یک بستر انجام دهیم. گفت‌وگو باید بین ارکان سه‌گانه حکمرانی و هم جامعه و هم دولت و هم بخش خصوصی شکل بگیرد. برای این موضوع ما باید به شکلی گفت‌وگو کنیم که بتواند ادامه داشته باشد. بنابراین جامعه را قطبی کردن اساساً برای گفت‌وگو مضر است و بهتر است که به جای اینکه دنبال مقصر بگردیم خود فرایند را مورد ارزیابی قرار دهیم. اینکه بحران آب نداریم ما باید تعریف کنیم که بحران آب یعنی چی؟ بحران آبی که ما تا بحال در این نشست‌ها معرفی کردیم در واقع فاصله گرفتن شکاف بین عرضه و تقاضای آب است که در کشور ما بشدت وجود دارد و این موجب این شده که بسیاری از تقاضاها ندیده گرفته شود.

بخشی مهمی از اقبال ضعیف مورد اصابت این بحران قرار بگیرند و حقوق آب به شدت مغشوش شود. به دلیل جابجایی‌هایی که اتفاق می‌افتد. براساس این واقعیت‌های واضح ما آمدیم در واقع از دو تا نشانگر استفاده کردیم. یکی نشانگر نسبت بین برداشت و آب تجدیدپذیر. مبنایمان را هم آن چیزی قرار دادیم که مدیریت علمی آب می‌گوید یعنی آب

تجدیدپذیر. به دلیل اینکه آب تجدیدپذیر هست که این است که می‌تواند باز در سیستم جامعه مورد بهره‌برداری قرار گیرد. آب تجدیدپذیر را می‌گویند آبی که ناشی از بارش هست منهای تبخیر. اساس اصول مدیریت آب در دنیا این است که خودتان را با این سازگار کنید. حتی اگر نسبت جمعیت شما با آب تجدیدپذیرتان خیلی فرق بکند. مثلاً ما یک درصد جمعیت جهان را داریم ولی سه دهم درصد آب تجدیدپذیر دنیا را داریم. ولی باید خودمان را با این سازگار بکنیم. سازگار کنیم یعنی ساختار جامعه را بر این اساس شکل دهیم.

از پیامدهای سیاسی بحران من به چند تا اشاره می‌کنم به دلیل اینکه وقت محدود است. یکی اینکه جمعیت ما بی‌رویه رشد کرده است و این برای نظام سیاسی اصلاً بحران‌آفرین است و خود این موضوع مشکل ایجاد می‌کند و ایجاد کرده است و به دلیل این که نارضایتی‌های گسترده‌ای را به وجود می‌آورد. وقتی کشاورز جنوب خراسان در یکی از نشست‌های ما می‌گوید که خوب آنجا که صنعت ایجاد نکرده‌اید بخش خدمات ایجاد نکردید و فقط کشاورزی ایجاد کردید و این کشاورزی هم دارد نابود می‌شود و یعنی من چکار بکنم و خوب چکار بکنم؟ این مساله مطرح شده است و به نظر من همین نقطه خوبی هست برای شروع گفتگو با دولت. تعابیر مختلفی شده است مثلاً می‌توانیم بگوییم که در این مورد دولت گوش شنوای بیشتری دارد که گفتگو ایجاد شود.

یک اصطلاحی دوستان بکار بردند فرصت استیصال. این فرصت ایجاد شده است که گفت‌وگو بتواند شکل بگیرد. خوب اگر می‌توانیم از آب شروع کنیم چرا شروع نکنیم ما یک زمانی بحث این را داشتیم که یک استراتژی برای کل کشور در زمینه توسعه داشته باشیم. بعد بینیم استراتژی آب و کشاورزی و صنعت چی هست و منتظر بودیم. در نهایت درنیامد و بعد گفتیم فرایند را معکوسش کنیم. یعنی بیایم سعی بکنیم هر بخشی استراتژی‌های خودش را به صورت اولیه مشخص بکنیم از فرایند اینها استراتژی کل شکل بگیرد و دوباره برگشت داشته‌باشد. اینها یک رابطه دو طرفه هست و نمی‌شود اینجوری یک طرفه دید.

همین طور رابطه بین بحران آب و پیامدهای سیاسی و پیامدهای سیاسی و بحران آب. اینها باز هم دوباره یک رابطه دو طرفه است. اسم نشست ما هم هست عوامل و پیامدهای سیاسی بحران آب. یعنی هم عوامل ایجاد کننده و هم پیامدهایش. بنابراین یکی از موضوعات اصلی مساله رشد انتظارات بی رویه نسبت به امکانات طبیعی ما است. خوب ما با پول می توانیم این کارها را بکنیم ولی الان متوجه شدیم اکنون این پول را هم نداریم، در نشست آب و فرهنگ ما به این مساله رسیدیم که فعلاً مخصوصاً در شرایط کنونی حادثه هم شده است. هر پروژه جدیدی ما بخواهیم برای تامین آب اجرا بکنیم خیلی نسبت به قبل ما مجبوریم هزینه بیشتری بکنیم طرح طوبا اجرا شد، قرار بود که از بارش استفاده کند، از آب سبز. ولی در عمل ما دیدیم که با استفاده از پمپاژهای حتی تا سیصد متر و چهار متر انجام شد که باغات مختلفی را به وجود آوردند و اگر این هزینه انرژی پمپاژها واقعی شود آیا اینها اصلاً صرف می کند؟

برای ما بحث این نیست که ما کشاورزی را ول بکنیم بحث این هست که ما صنعت و خدمات را ول نکنیم، چکار بکنیم که اینها را ول نکنیم؟ خوب راحتتر هست که ما یک مجوز چاه بدیم یک مقدار زمین هم بدهیم از منابع طبیعی و بگوییم بیایم کشاورزی بکنیم. ولی در بخش خدمات به این سادگی نیست. اخیراً در بحث اصفهان مطرح شد که ما اگر به جای اینکه فولاد و صنایع را توسعه می دادیم می رفتیم توسعه این منطقه را تابع عوامل دیگری مثل مسایل فرهنگی و هنری و گردشگری در اصفهان می کردیم آیا بهتر نبود؟ بالاخره اینها سوالاتی است که باید مطرح شود آب خیلی با برنامه ریزی منطقه ای و مسایل آموزشی عجین است. مسایلش باید با توجه به خصوصیات اکولوژی و طبیعی شکل بگیرد نه بر اساس اراده ای که ما می کنیم که همه جا پتروشیمی راه اندازی کنیم و یا اینکه برویم در کویر هم برنج بکاریم.

مساله سفره آب زیرزمینی هم یکی از مسایل فنی هست که ما بحثها به آنها می پردازیم اما به طور اجمالی می گویم ما حدود ۶۲۰ تا دشت داریم یا محدوده آبخوان داریم یعنی ۶۰۰ سفره آب جدا داریم که اصلاً اینها با هم یا سایر مناطق دنیا وصل نیستند. اینها جداگانه طبق

یک سیکل هیدرولوژیکی طی سالیان دراز در آن‌ها انباشت آب صورت گرفته است و یک ذخیره متغیر هم دارند که سال به سال تجدید می‌شود و یک بخش مهم‌شان در طول ده‌ها هزار سال یا صدها هزار سال شکل گرفته که به آنها اصطلاحاً می‌گوییم آب تجدیدناپذیر یعنی تجدیدپذیر نیستند. ما از آن ذخایر الان استفاده کردیم و پیامد این برداشت که کاملاً با دنیا و حتی با دشت‌های پهلوئی هم اکثراً ارتباطی ندارند، این شده که سطح این آب‌ها برود پایین و این را می‌دانیم یعنی عدد و رقم داریم. حتی بعضی از جاها ما شکل سفره را داریم و فعل و انفعالاتش را می‌توانیم در این زمینه دقیقاً تصحیح کنیم ما این کار را برای دشت رفسنجان انجام دادیم، اندیشکده آب و به زودی اسنادش را منتشر می‌کنیم.

در اثر این ماجرا یکی از عواملی که اتفاق می‌افتد نشست زمین است که مهمترین پیامد درازمدت نشست زمین از بین رفتن قدرت ذخیره آبخوان‌هاست. یعنی اینطوری نیست که رقم منابع آب تجدیدپذیر ما دائمی و برای همیشه باشد. واکنش‌هایی که انجام می‌دهیم نسبت به امکانات طبیعی که داریم ممکن است آن ظرفیت‌ها را از بین ببرد. چه بسا که بخشی از ظرفیت‌های آب زیرزمینی ما که به صورت متعادل و منصفانه‌ای در ایران پخش شده است در اثر نشست زمین از بین برود. ما در شهرها این مسأله رو داریم و به‌لحاظ اهمیتی که دارد سازمان زمین‌شناسی روی این موضوع کار کرده و اطلاعاتش دوستان اگر می‌خواهند بررسی بکنند وجود دارد وضعیت نشست تمام شهرهای مهم استان تهران را بررسی کرده است.

سازمان زمین‌شناسی طرح درازمدتش این هست. پیامد اقتصادی این نشست زمین، چون این نشست‌ها غیرمقارن است، موجب آسیب‌رسانی به زیرساخت‌ها می‌شود و در جاده‌ها شکاف ایجاد می‌کند. در خط لوله‌ها ممکن است ایجاد اشکال بکند و مواقع زلزله، خطر زلزله بیشتر می‌شود و به ساختمان‌ها و ابنیه‌ها هم خسارت می‌زند به دلیل همین نشست غیرمقارن. اما اینطوری نیست که بخواهیم حمله بکنیم، چنان حمله کنیم که از طرف مقابل حتی نام و نشانی هم نماند. به نظر من در نقد به دولت نباید سیاه و سفید ببینیم. داشته‌هایش

را هم باید ببینیم. اینطور نیست که اصلاً هیچکاری نشده است. بالاخره کسانی زحمت کشیده‌اند و در زمینه مطالعات آب زیرزمینی روی این دشت‌ها کار کردند و روی طرح جامع کار کردند. این طور نیست که ما دستمان خالی هست و هیچ تصویری نمی‌توانیم ارائه دهیم. خوب است که تصویر ارائه شود و مورد نقد و بررسی قرار گیرد. فقدان جامعه مدنی و بخش خصوصی در تعامل با دولت موجب این شرایط شد و اگر این تعامل بیشتر شود، طبیعتاً وضعیت بهتر می‌شود.

مواردی که آقای حب‌وطن مطرح کردند به نظر من بخشی از تبیین وضع موجود بود و اگر یک فرصت بحث حکمرانی باشد می‌شود به این موضوع پرداخت که در واقع این وضعیت کارکرد نظام سیاسی ما هست. یعنی مساله حکمرانی در واقع نحوه اداره امور توسط نظام سیاسی ما در امور داخلی کشور است. یکی از سوالات خوب این بود آیا امکان دارد در یک جلسه فقط به یک معضل اشاره شود و در پایان جلسه هم یک راه حل اجرایی به طوری که در فردای روز جلسه بتوان یک گام در راستای رفع آن برداشت؟ من یک همچین برداشتی را ندارم و در ارزیابی که اندیشکده از موضوع دارد این است که ما حداقل ۱۰ سال باید وقت صرف بکنیم تا به جایی که بپردازیم به راه‌حل‌ها.

• آقای فرشاد مؤمنی

من فکر می‌کنم یکی از دستاوردهای این گفت‌و شنودها این باشد که ما در حوزه‌های تخصصی بتوانیم جدی برخورد کنیم و اما خارج از حوزه‌های تخصصی یک مقداری احتیاط به خرج بدهیم، خودش یک دستاورد خیلی بزرگی است. مثل بحث‌هایی که راجع به کشاورزی می‌شود توجه داشته باشید ما در حوزه کاری خودمان یک بحثی داریم تحت عنوان خطای دید. یعنی شما همین‌طور که با چشم غیرمسلح به GDP نگاه می‌کنید می‌بینید که مرتباً وزن ارزش افزوده کشاورزی و صنعت در GDP کاهش پیدا می‌کند و وزن خدمات افزایش پیدا می‌کند. حواستان باشد این ماجرا به معنای کاهش اهمیت نسبی صنعت و کشاورزی نیست، بقاء هر جامعه به صنعت کشاورزی وابسته است. منتها صنعت و

کشاورزی به واسطه آنکه بالاترین سطح قابلیت جذب دستاوردهای جدید علمی و فنی را دارند با جهش در بهره‌وری روبرو می‌شوند.

بنابراین وقتی که می‌گوییم مثلاً سهم کشاورزی در GPP آمریکا ۲ درصد است معنایش این نیست که تولید کشاورزی کاهش پیدا کرده است تولید کشاورزی آنچنان جهش پیدا کرده است که علاوه بر اینکه آنها واردات کشاورزیشان را به شدت کاهش دادند تبدیل به یکی از بزرگترین صادرکننده‌ها هم شدند. آنجا ماجرا این است که انقلاب بهره‌وری در این دو بخش خیلی خارق‌العاده اتفاق افتاده و بنابراین به طور همزمان تولید جهش پیدا می‌کند و قیمت شدیداً کاهش پیدا می‌کند. این را می‌گویند خطای دید. اینجوری نیست که مثلاً از طریق کشاورزی در کشورهای پیشرفته یک چیز پیش پا افتاده غیر معطوف به ملاحظات پایداری باشد. خیلی باید به این ماجرا دقت داشته باشیم.

نکته دیگری که دوست عزیز بحث قیمت را مطرح کردند، باز ماجرا عیناً همین است. مثلاً اقتصاددانان بزرگ مثلاً ۱۰ هزار سال تاریخ بشر را نگاه کردند و می‌گویند راه‌حل‌های قیمتی راه‌حل‌های معطوف به تعادل‌های لحظه‌ای است. یعنی وقتی که همه محدودیت‌ها و تنگناهای دیگر مشکلاتش حل و فصل شده بود نوبت راه‌حل‌های قیمتی می‌رسد. اینکه ما فکر کنیم تمام ناکارآمدی‌ها و سوتدبیرهایمان را با قیمت حل و فصل کنیم این فاجعه‌های بزرگ انسانی، اجتماعی و زیست محیطی می‌آفریند. یک نمونه دم‌دستی‌اش ماجرای شوک حامل‌های انرژی هست. با همان توجیحاتی که گفته شد اینها آمدند یکی از بی‌سابقه‌ترین شوک‌های قیمتی را در دنیا پدیدار کردند اساس این ماجرا این بود که ما نگران افزایش مصرفیم. تو این ماجرا مصرف رشدش افزایش پیدا کرد یعنی آن چیزی که می‌خواستند بهش نرسیدند اما شما بیایید حالا هزینه‌ها را با ماجراهایشان نگاه بکنید.

در همان سال اول پس از این ماجرا خالص اشتغال بخش صنعت در ایران ۳۰ درصد منفی شد. این هم از نظر اقتصادی، از نظر جامعه ما با بی‌سابقه‌ترین سطوح تورم و بیکاری روبرو شدیم. این کار به اسم عدالت انجام شد و فلاکت را به این کشور تحمیل کرد. شما نگاه کنید به گزارش‌های وزارت بهداشت می‌گوید فقط در یک فاصله سه سال پس از این

ماجرای سهم آن بخش از جمعیت که فقط از ناحیه هزینه‌های کمرشکن درمان به زیر خط فقر افتادن چیزی حدود ۶۰۰ درصد رشد نشان داده. در ماجرای محیط زیست گزارش‌های رسمی وزارت جهاد کشاورزی در فاصله ۳ سال پس از این ماجرا، بحران ناشی از مراجعه به درخت‌ها برای بحث نیازهای گرمایشی ۶۰ درصد رشد کرده است. بوته‌کشی که نیروی محرکه کویرزایی است در همین برهه ۱۰۰ درصد رشد کرده است. پس دوستانی که فکر می‌کنند مثلاً هر مساله‌ای را با دستکاری قیمت می‌شود حل و فصل کرد خیلی در اشتباه هستند و چقدر خوبه که واقعاً فرصت شود و ما این‌ها را به تعبیری که گفتند در کادر ملاحظات پایداری نگاه کنیم. ببینید در کادر ملاحظات پایداری شما به افق بلند مدت نگاه می‌کنید و اقتضائات کوتاه مدت را تحمیل می‌کنید.

در سال ۱۹۵۰ دستیابی به یک کیلو وات ساعت الکتریسیته از طریق انرژی خورشیدی ۱۰۰۰ دلار قیمت تمام شده‌اش بوده است. شما گزارش ویژه سپتامبر سال ۱۹۷۸ *scientific American* را نگاه بکنید. وقتی اینها دیدند که این به یک چیز راهبردی است رویش تمرکز کردند و در سال ۱۹۸۰ قیمت تمام شده یک کیلووات ساعت الکتریسیته از خورشید به ۵ دلار رسید و در سال ۱۹۸۷ این رقم به ۱۱ سنت رسید. یعنی وقتی که ما می‌فهمیم نگرش راهبردی چی هست می‌رویم و ابزارش را هم فراهم می‌کنیم و ذخیره توانایی بشر در حدی هست که ما بتوانیم خیلی کم‌هزینه‌تر و پر دستاورده‌تر مسایل جامعه‌مان را حل و فصل کنیم.

این چیزی که بعضی دوستان می‌خواهند تعادل را حفظ کنند و مثلاً دولت را به اندازه مقهوراتش نگاه بکنیم این حرف در اصول حرف نامربوطی نیست. ولی واقعیت این است اگر ما کاستی‌ها و سهل‌انگاری‌های دولت را به اندازه اهمیتی که دارد نبینیم کمک کردیم که فاجعه‌های بزرگ دوباره در این کشور اتفاق بیافتند. ببینید مثلاً این دولت بسیار بسیار محترم جدید آمدند گفتند که نرخ بیکاری را یک رقمی کردیم. شما وقتی که به جزئیات این قضیه نگاه می‌کنید با اینکه من احترام می‌گذارم به همه آنها، نگاه کنید آن چیزی که مبنای اصلی چنین ادعایی است این است که نرخ مشارکت در ایران در یک

فاصله یک ساله دو درصد افت کرده است. تغییرات نرخ مشارکت تغییرات بلند مدت هست و حالا این یک ساله این اتفاق افتاده است ما هم می‌گوییم همین که شما می‌گویید چون اگر غیر از این شود می‌شود تشویش اذهان عمومی. بنابراین ما می‌گوییم انشالله این اتفاق افتاده است. اما روی دیگر سکه چه هست؟ روی دیگر سکه این هست که برای اینکه این نرخ یک رقمی اقدام شود و ما هم بپذیریمش، عملاً گزارش نهاد مسئولش می‌گوید که کل جمعیت شاغل ایران در ۱۳۹۳ درست مساوی است با کل جمعیت شاغل در ۱۳۸۶، من چالش نمی‌کنم با این آماری که اعلام کردند ولی این را سوال مطرح کردم و هنوز پاسخی دریافت نکردم و من می‌گوییم که در فاصله ۸۶ تا ۹۳ چیزی نزدیک به ۱۰۰۰ میلیارد دلار فقط ارز به این اقتصاد تزریق شده است و اگر از بین این میزان تزریق ارز حتی یک نفر به خالص جمعیت شاغل ما اضافه نشده خوب این یک هنرمندی خارق‌العاده‌ای است و اگر به اندازه خارق‌العادگی که دارد به آن توجه نکنیم و آسیب‌شناسی‌اش نکنیم هم دولت ضرر می‌کند و هم ملت ضرر می‌کند و هم آینده کشورمان با چالش‌های جدی مواجه می‌شود.

۸. جمع‌بندی – مدیر نشست، آقای قانع‌راد

مساله حکمرانی مطرح شد به معنای Governance و نقش جامعه مدنی. طبیعتاً باید اجازه داد جامعه مدنی فعال باشد. این جامعه مدنی می‌تواند به دو الگو نسبت به بحران‌ها واکنش نشان دهد. یکی همان الگوی جنبش‌های اجتماعی جدید است آقای دکتر بر آن تاکید داشتند و یکی هم جنبش‌های اجتماعی قدیم. جنبش‌های قدیم به اصطلاح تفکیک بین جنبش کارگری است و در غرب مطرح می‌شود که شعارش به اصطلاح نان بود. جنبش‌های اجتماعی جدید که به مسایل دیگری توجه می‌کنند و صرفاً عبور کرده‌اند از این مساله نان. حالا در این جامعه ما داریم یک جنبش اجتماعی جدید صحبت می‌کنیم. یعنی الان ما صدایمان این است که با آب مهربان باشیم در مورد آب گفت و گو کنیم. آدم‌های پیشگامی همین NGOهایی که دارند کار می‌کنند و همین نهادهایی که دارند کار می‌کنند، هستند.

بنده‌ای که در انجمن علمی هستم و جنابعالی که استاد دانشگاه هستید وقت می‌گذارید روی این قضیه فکرمی کنید می‌آید، الان هم شکمتان گرسنه نیست. بنابراین می‌خواهم بگویم این روشی که ما داریم انجام می‌دهیم دولت باید استقبال کند. این یک نوع جنبش گفت‌وگوی اجتماعی است و ممکن است نقد هم کند و سنگی هم بزند. باید تحملش را داشته باشد ولی اگر تحمل نکند بعد یک سری می‌آیند و می‌گویند ما تشنه‌ایم یعنی آن شعار دومی را می‌دهند و این شعاری که ما تشنه‌ایم فرق می‌کند. اینکه من عرض کردم که در مناطق خشک ما همچتین اتفاقی بیافتد. واقعاً به مردم بسیار خوب مرکزی ما مثل یزد و کرمان و اینها که مردم ویژه‌ای دارد و مردم سخت‌کوشی که توانستند محدودیت‌های طبیعت را کار و از طریق قنات و کاریز و اینها مرتفع بکنند و همیشه ایستادند و دفاع کردند به جایی هم حمله نکردند و بسیاری از موارد هم مورد حمله واقع شدند، جسارت نمی‌کنم. ولی خوب وقتی مساله خیلی بالا بکشد با بحران مواجه شوند، مردم می‌آیند و می‌گویند ما تشنه‌مان است. درگیری که در یک سطحی در مورد تونل آب مورد اختلاف بین اصفهان و چهارمحال و خوزستان و اینها پیش آمد احتمال دارد هر جای دیگری قضیه تکرار شود. بنابراین مسئولین باید به آن توجه بکنند. یک دوستی به نام آقای ابراهیمی در مقاله‌ای که اینجا است بحث خوبی را مطرح کردند. یک مقدار اگر من بخواهم گسترش دهم ایشان می‌گویند که بهار عربی ناشی از بحران خشکسالی روسیه در سال ۲۰۱۰ است. آنجا بحران خشکسالی انجام شد و بعد چون روسیه به منطقه زیادی از خاورمیانه و شمال آفریقا غلات و مواد غذایی صادر می‌کرد، قیمت اینها بالا رفت و قشر محروم جامعه دچار بیکاری و دچار مشکل تورم شدند و بعد بهار عربی رخ داد.

حالا از آن طرف هم می‌توان گفت شبکه‌های اجتماعی. ولی از این طرف هم همین شکم و مساله تورم و مسایل ملموس اقتصادی و بهار عربی ایجاد شد و آن هم بهار عربی یک مقداری جلوتر برویم، از دلش داعش و تروریسم و اینها در آمد. متأسفانه به جای اینکه دموکراسی برای منطقه به بار بیاید بهاری بود دیگر قرار بود شکوفا شود و گل‌های زیبایی از آن در بیاورد متأسفانه استبداد و تروریسم و اینها از دلش در آمد و از آن طرف هم ترور

پاریس. بنابراین که آنها هم یک نحوه انفعالی و منفی است، اکثراً در برابر تندروری‌های همین جریان القاعده و داعش و اینها که آنها هم به سبک خودشان و به سبک اشتباهی است واکنش نشان بدهند، ظاهر شده است. همین طوری بعد می‌رسیم آن تئوری پیچیدگی جهان که می‌گوید اگر یک پروانه‌ای در جنگل‌های آمازون بال بزند ممکن است که در دنیا چه بشود ما بایه همچین جامعه‌های سیاسی تودرتو و پیچیده‌ای روبرو هستیم. به همین دلیل باید مسئولین ما توجه بکنند به این قضیه.

نکته آخر را هم عرض کنم. در این قضیه که سرکار خانم فرمودند ایشان گفتند ما مدیریت آب نداریم بحران آب نداریم بحران مدیریت آب داریم. آخر سر هم گفتند آب بردارند و بیاورند و پول بدهند و آب بیاورند. من می‌گویم که ما باید از این ایده انتقال یک طوری گذر بکنیم. قرار است در همین چارچوب ما زندگی کنیم و قرار نیست مثلاً قطب شمال برداریم یخ بیاوریم و یا مثلاً در کویر در کویر ما یخ ندارد یک مقداری ما باید بر حسب مقتضیات طبیعت و محیط زیست زندگی بکنیم. شاید عنوان environmentalism معنای درستش این باشد یعنی آگاهی زیست محیطی به معنای احترام گذاشتن به طبیعت است و نه تجاوز به طبیعت و نه به هم زدن طبیعت. قرار نیست به قول آقای دکتر برنج را ما در کویر بکاریم. برنج را باید در همان کنار سواحل خزر کاشت. وقتی شما می‌روید به طرف اینکه آب بیاورید آنجا و این کار را بکنیم ساده‌ترین راه حل هست.

مشکل‌زاترین مسائل را این راه‌حل‌های ساده همراه خودشان می‌آورند. مسئولین می‌گویند خوب خبری نیست. دیگر مشکلی نیست ما آب را برداریم می‌آوریم. بعد در نظر بگیرید که پشت سر این حرفها باز پول هم نهفته است نگاه مهندسی هم نهفته است. اینجا دانشگاه شریف است. تو این انتقال‌ها پروژه‌های عمرانی و طرح هست، قرارداد و مشاوره است و یک مجموعه‌ای بهره‌مند می‌شوند و این ایدئولوژی مهندسی هم خواه ناخواه در این قضیه نقش دارد. من جامعه شناس هم ممکن است ایدئولوژی جامعه‌شناسی داشته باشم.

ایدئولوژی مهندسی این است که همه چیز را بیایم بسازیم. چه مشکلی داریم؟ آب نداریم. خوب آب که آنجاست. برمی‌داریم از آنجا می‌آوریم می‌گذاریم اینجا. کما اینکه شما

می‌دانید در بحث سدسازی بیشترین سدسازی در دوره بعد از انقلاب صورت گرفت. تصمیم گرفته شد که آب دریای خزر به کویر آورده شود. خوب پروژه‌های عظیمی آمد. همه هم مشغول به یک سری پروژه‌های عمرانی و قیچی کردن این ریان‌های طرح‌های عمرانی و دادن آمارهای بالا. ولی آخر سر معلوم نشد از این قضیه چی در می‌آید. ما باید به طبیعت یک مقداری احترام بگذاریم و هوشمندی طبیعت را هم قبول بکنیم و طبیعت هم هوشمند است و طبیعت هم در مقابل ما واکنش می‌دهد. ما هنوز نمی‌دانیم واکنش‌های طبیعت چی هست هنوز خبر نداریم. ما هنوز نمی‌دانیم بارور کردن ابرها در واقع این چه واکنش‌هایی در جهان می‌تواند ایجاد بکند.

بنابراین جسارت زیاد در مقابل طبیعت نباید بکنیم. بگوییم ما ابرها رو بارور می‌کنیم. انسان واقعاً این حس کنترل‌طلبی‌اش و حس زیاده‌طلبی‌اش که دارد به طبیعت تجاوز می‌کند یک روزی باید سزای این را پس بدهد. یعنی من می‌گویم ما باید سزای اشغال کوه‌های پونک و حصارک که توسط دانشگاه آزاد اسلامی و دیگران صورت گرفت، باید پس بدهیم. قرار نبود که ما سر کوه دانشگاه بسازیم. قرار نبود که کل مناطق شمال اتوبان بابایی همه‌اش شهرک ساخته شود. قرار است شما حریم طبیعت را رعایت بکنید. طبیعت حرمت دارد. اینکه ایشان می‌فرمایند آب در اسلام، آب در اسلام مهریه حضرت فاطمه زهراست. یعنی حرمت دارد حرمت این را رعایت بکن. ما بی‌حرمتی کردیم به همه چی با همین ایدئولوژی توسعه. یک مقداری جسارتاً با ایدئولوژی مهندسی ساخت و ساز و کارهای سخت‌افزاری که پشت سرش وجود داشت آمدیم به همه چیز تجاوز کردیم و حالا باید پاسخش را بدهیم. یعنی اینطور نیست که ما به راحتی طبیعت یقه ما را ول کند و من این متن را می‌خوانم برای آقای رضا قلی هست می‌گوید:

استعداد اقتصادی فلات و زاگرس و البرز و حواشی آن به طور طبیعی گنجایش نگهداری ۷ الی ۸ میلیون جمعیت را بیشتر ندارد. مخصوصاً منابع آبی کشور هم امکان بیشتر از آن را نمی‌دهد. با پول نفت و ورود آن به شکل‌های مختلف در چرخه اقتصاد ایران موجب شده است که این جمعیت به ۷۷ میلیون نفر افزایش پیدا کند. این افزایش جمعیت از نظر

بهداشت، تغذیه و مسکن و وسایل زندگی دیگر به طور کامل به پول نفت وابسته است. در واقع این جمعیت مونثاژ است و عامل اصلی تامین کننده آن پول نفت است که با تمام شدن آن آثار ویرانگر و مخربی بر این جمعیت که تمام نان خود را پول نفت تامین میکند خواهد داشت. افزایش این جمعیت و تخریب زیست محیطی این جمعیت و بنا کردن شهرهای عظیم از هر جهت غیر استاندارد و پیامدهای بیکاری یک چرخه اجتماعی این جمعیت خواهد شد که از این تمدن را بیشتر ضعیف خواهد کرد. این مشکلات را که ما داریم و پول نفت که یک غرور عجیبی را داده است و با آن می‌خواهیم همه کار بکنیم .